شرح مختصری بر دعاء صحیفه کامله سجادیه

پدیدآورنده :

سید عبدالحسین طیب

بسم الله الرحمن الرحیم

شرح مختصری بر دعاء صحیفه کامله سجادیه

نویسنده:

عبدالحسین طیب

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شرح مختصری بر دعاء صحیفه کامله سجادیه

مشخصات کتاب

پدیدآورنده : سید عبدالحسین طیب

ناشر : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

مقدمه

بسمه تعالی الحمد لولیه و الصلاهٔ و السلام علی رسوله و آله و اللعن علی اعدائه الی یوم لقائه.

اما بعد نظر به اینکه در اخبار ادعیه‌ای وارد شد نزد ختم قرآن که افضل و اکمل و اصح آنها دعا صحیفه کامله سجادیه است دوست داشتم پس از ختم تفسیر- اطیب البیان در چهارده مجلد شرح مختصری از این دعاء بنگارم که مؤمنین از فیض آن بی‌بهره نباشند لذا مینگارم

قوله علیه السلام بسم اللَّه الرحمن الرحیم (اللهم انک اعنتنی علی ختم کتابک.

(ترجمه) پروردگار من محققا تو مرا کمک و اعانت فرمودی بر ختم تلاوت کتاب خود (شرح) انسان در هیچ امری مستقل نیست چه در امور غیر اختیاریه که از تحت قدرت او خارج است و چه در افعال اختیاریه که محتاج است باعانت الهیه که میفرماید

الذی انزلته نورا و جعلته مهیمنا علی کل کتاب انزلته و فضلته علی کل حدیث قصصته

ما قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوها قائِمَةً عَلى أُصُولِها فَبِإِذْنِ اللَّهِ حشر آیه ۵- و بسیاری از آیات دیگر بالاخص توفیق ایمان و هدایت و عبادات که الهامات ملائکه و تأییدات الهی و عنایات پروردگاری انسان موفق میشود بالاخص بتلاوت کتاب- اللَّه که هر آیه و سوره آن چه اندازه اجر و ثواب دارد که در اوائل هر سوره اشاره شده چه رسد بتمام قرآن و ختم آن از باء بسم اللَّه تا سین و الناس (اعنتنی علی ختم کتابک)

أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۲۹۵

سپس در مقام فضائل و صفات و شئونات قرآن میفرماید.

(الذی انزلته نورا)

اشاره بآیه شریفه است که فرمود فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنا تغابن آیه ۸- و نور بودن قرآن قلب را روشن میکند راه حق را نشان میدهد حق را از باطل جدا میکند فردای قیامت اهل خود را به بهشت ببرد، نامه عمل را سفید میکند بهر آیه یک درجه در بهشت بالا میبرد که بقاری او میگویند

(اقرء و ترق).

(و جعلته مهیمنا علی کل کتاب انزلته)

که اگر قرآن نبود ما هیچ دلیلی بر نبوت احدی از انبیاء نداشتیم و خبری از کتب و صحائف آنها در دست نبود نه صحف آدم و نوح و شیث و ابراهیم و نه توریهٔ موسی و زبور داود و انجیل عیسی و این توریهٔ رایج دست یهود و اناجیل اربعه نصاری و کتب عهد قدیم و عهد جدید که در دست آنها است اکثر آنها کفریات و مزخرفات و نسبتهای زشت بانبیاء و ساحت قدس انبیاء از این کتب بری و عریست، قرآن مجید که شئونات آنها را و کتب آنها را پاک میکند میفرماید

(مهیمنا علی کل کتاب انزلته).

(و فضلته علی کل حدیث قصصته)

اما افضلیت قرآن برای جهاتیست که در آن هست یکی معجزه باقیه تا دامنه قیامت دیگر مشتمل بر هر رطب و یابس وَ لا رَطْبٍ وَ لا یابِسٍ إِلَّا فِی کِتابٍ مُبِینٍ انعام آیه ۶۰- دیگر هدایت به بهترین راهها إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ یَهْدِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ اسراء آیه ۹.

و جهات دیگر که در مقدمه تذکر داده‌ایم و احادیث و قصص آن شرح قصص آدم و نوح و شیث و ابراهیم و اسحق و یعقوب و لوط و شعیب و یوسف و موسی و هارون و داود و سلیمان و ایوب و ذکریا و یحیی و مریم و عیسی و شرح حال قوم آنها و نجات مؤمنین بآنها و هلاکت مخالفین و کافرین بآنها و سایر قصص قرآنی اگر مقایسه کنید با قصص این توریه و زبور و اناجیل رایج یا با قصص رستم و افراسیاب و الف لیلی و حسین کرد و هزار دستان و با مجلات و روزنامه‌ها و سایر کتب قصص و با کتب شعراء بلکه با قوانین و دستورات امروزه که هیچ طرف نسبت نیست بالجمله همین نحوی که أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۲۹۶

و فرقانا فرقت به بین حلالک و حرامک و قرآنا اعربت به عن شرایع احکامک و کتابا فصلته لعبادک تفضیلا

خدای متعال چه نسبت. با مخلوقات دارد کلام او هم چه نسبت با کلام آنها دارد.

(و فرقانا فرقت به بین حلالک و حرامک)

(من حجب الغیوب)

تو در حجاب بودی و بر تو غائب بودم حتی خیال میکردی که من نبودم و نیستم و مرگ دامن ترا نمیگیرد

(و رماها عن قوس المنایا باسهم وحشهٔ الفراق)

چنانچه بر اصحاب فیل مثل طیر ابابیل با حجاره سجیل بر فرق آنها پس مثل علف جویده ریختند و در جنگ بدر بیاری مؤمنین آمدند که میفرماید إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِینَ أَ لَنْ یَکْفِیَکُمْ أَنْ یُمِدَّکُمْ رَبُّکُمْ بِثَلاثَهِٔ آلافٍ مِنَ الْمَلائِکَهِٔ مُنْزَلِینَ بَلی إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ یَأْتُوکُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هذا یُمْدِدْکُمْ رَبُّکُمْ بِخَمْسَهِٔ آلافٍ مِنَ الْمَلائِکَهِٔ مُسَوِّمِینَ آل عمران ۱۲۰ و ۱۲۱ و بچسبانند و بریزند در حنجر او کاس و لیوان که مسمومه است در مذاق آن که موجب مرگ میشود، سم زهر است که انسان را بفوریت تلف میکند و زهر مرگ بدست ملک الموت است و نزدیک میکند ما را بسوی آخرت مثل مسافری که کوچ میکند از منزل بمنزل دیگر و این منزل را رها میکند و منزل دیگر میگیرد از شیخ بهائیست که گفت (الانسان مسافر و منازله ستهٔ) شش منزل باید طی کند از صلب آباء برحم امهات و از رحم بدنیا و از دنیا بعالم برزخ و از آنجا به محشر و از محشر ببهشت یا جهنم (اقول منازل بسیار قبل از اصلاب دارد اول خلقت ارواح که فرمودند

(خلقت الارواح قبل الاجساد بالفی عام)

و فرمودند أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۲۳

و صارت الاعمال قلائد فی الاعناق و کانت القبور هی الماوی الی میقات یوم التلاق

(الارواح جنود مجندهٔ فما تألف منها ائتلف و ما تناکر منها اختلف).

پس از آن از خاک که فرمود مِنْها خَلَقْناکُمْ وَ فِیها نُعِیدُکُمْ وَ مِنْها نُخْرِجُکُمْ تارَهًٔ أُخْری طه آیه ۵۷- سپس در مأکولات آباء و تطورات بسیاری تا نطفه شود و در ارحام امهات منازلی طی گردید از علقه و مضغه و عظام و لحوم و صورت بندی و تعلق روح تا خارج شدید و در دنیا هم مراحلی طی گردید تا از دنیا رفتید و پس از مردن روح شما را بردند در پیشگاه احدیت که در دنیا چه کردید که میفرماید

(اذا مات ابن آدم یقول الناس ما خلف و یقول الملائکه ما قدم) سپس در قبر تعلق ببدن همان روح انسانی نه حیوانی و نباتی برای

سؤال قبر سپس بقالب مثالی یا وادی السلام با مؤمنین یا برهوت با کفار و در محشر هم مراحلی باید طی کند تا عاقبت کارش بکجا بکشد یا جنهٔ النعیم یا جهنم و عذاب و اعمال بندگان در دنیا خوب و بد آنها قلاده میگردد بگردنشان و قبر جایگاه آنها است تا قیامت که میقات آنها است در یوم طلاق که یکی از اسماء روز قیامت است اشاره بآیه شریفه میفرماید وَ کُلَّ إِنسانٍ أَلْزَمْناهُ طائِرَهُ فِی عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ یَوْمَ الْقِیامَهِْ کِتاباً یَلْقاهُ مَنْشُوراً، اقْرَأْ کِتابَکَ کَفی بِنَفْسِکَ الْیَوْمَ عَلَیْکَ حَسِیباً مَنِ اهْتَدی فَإِنَّما یَهْتَدِی لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّما یَضِلُّ عَلَیْها وَ لا تَزِرُ وازِرَهٌ وِزْرَ أُخْری اسری آیه ۱۴ الی ۱۶- و این همان نامه عمل است که رقیب و عتید نوشته‌اند و این نامه اگر بدست راست رسید نجات است و اگر بدست چپ یا از پشت برسد هلاکت است که میفرماید فَأَمَّا مَنْ أُوتِیَ کِتابَهُ بِیَمِینِهِ فَسَوْفَ یُحاسَبُ حِساباً یَسِیراً وَ یَنْقَلِبُ إِلی أَهْلِهِ مَسْرُوراً وَ أَمَّا مَنْ أُوتِیَ کِتابَهُ وَراءَ ظَهْرِهِ فَسَوْفَ یَدْعُوا ثُبُوراً وَ یَصْلی سَعِیراً انشقاق آیه ۷ الی ۱۲- و نیز میفرماید فَأَمَّا مَنْ أُوتِیَ کِتابَهُ بِیَمِینِهِ فَیَقُولُ هاؤُمُ اقْرَؤُا کِتابِیَهْ الی قوله تعالی وَ أَمَّا مَنْ أُوتِیَ کِتابَهُ بِشِمالِهِ فَیَقُولُ یا لَیْتَنِی لَمْ أُوتَ کِتابِیَهْ وَ لَمْ أَدْرِ ما حِسابِیَهْ الایه الحاقه آیه ۱۹ الی ۲۶

(و کانت القبور هی الماوی الی میقات یوم التلاق.)

اما قبر در حدیث است

(القبر اما روضهٔ من ریاض الجنهٔ او حفرهٔ من حفر النیران)

أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۲۴

و بارک لنا فی حلول دار البلی و طول المقامهٔ بین اطباق الثری و اجعل القبور بعد فراق الدنیا خیر منازلنا و افتح لنا برحمتک فی ضیق ملاحدنا

اما بر مؤمنین دری از بالای سر ببهشت باز میشود و همه روزه ملائکه با تحف و هدایا وارد میشوند و اما بر غیر مؤمنین دری از پای قبر بجهنم باز میشود و ملائکه عذاب با عمود و تازیانه بر او وارد میشوند و روح انسانی از او جدا نمیشود و لو بقالب مثالی تعلق بگیرد و سیر کند در وادی السلام یا برهوت نذیر خواب که روح سیر دارد و از بدن خارج هم نیست و این در قبر هست تا موقعی که صور دوم دمیده میشود و تمام دفعه واحده از قبرها خارج میشوند که میفرماید وَ ما أَمْرُ السَّاعَهِْ إِلَّا کَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ نحل آیه ۷۹ و یوم التلاق روزیست که تمام یکدیگر را ملاقات میکنند اهل بهشت اهل جهنم را می‌بینند و بالعکس و با یک دیگر مکالمه دارند، رؤسا و اکابر اتباع را مشاهده میکنند و بالعکس و با یکدیگر محاجه میکنند

(اللهم صل علی محمد و آله و بارک لنا فی حلول دار البلاء)

پس از ذکر صلوات می‌گویی پروردگارا مبارك فرما برکات خود را از برای ما در موقعی که حلول میکنیم در دار پاشیده و بهم ریخته که قبر باشد که در آنجا اعضاء بدن از هم پاشیده میشود و اجزاء آن پوسیده و ریخته و خاك میشود و برکات الهی در قبر بسیار است قبر روضه‌ایست از ریاض جنت، توسعه پیدا کند بمقدار مد بصر، ملائکه رحمت با تحف و هدایا بر او وارد شوند بشارات باو دهند، سؤال قبر بر آن آسان شود و بالجمله قبر منزل مبارک میمون باشد نه حفره از حفر نیران و تنگ شود و تاریك و مملو از آتش

(و طول المقامه بین اطباق الثری)

و قبری که طول میکشد مقام در این زیر طبقات خاك در لحد تا قیام قیامت که میفرماید:

وَ مِنْ وَرائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ مؤمنون آیه ۱۰۲

(و اجعل القبور بعد فراق الدنیا خیر منازلها)

نسبت بمنازل الدنیا و لو در قصرهای ده طبقه بلکه بیشتر و بر فرشهای ابریشمی و تختها و کرسیهای زرنگار و اثاثیه آراسته و پیشخدمتهای کمر بسته و خانمهای زیبا آرایش کرده باشد، قبر بهترین این منازل باشد اما منازل بعد القبر در عالم آخرت البته بالاتر و بهتر از منزل قبر باشد

(و افتح لنا برحمتک فی ضیق ملاحدنا)

أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۲۵

و لا تفضحنا فی حاضری القیامهٔ بموبقات اثامنا و ثبت به عند اضطراب جسر جهنم یوم المجاز علیها زلل اقدامنا.

و نور به قبل البعث سدف قبورنا

و توسعه ده و باز فرما برای ما تنگی لحدهای ما را (تنبیه) اگر قبر توسعه پیدا کند و روشن شود و روح و ریحان داخل شود و بهترین منازل گردد کاشف از اینکه پس از قبر هم راحتی و آسایش و سعادت و رستگاری و بهشت و نعم الهی را هم دارد و لا عکس زیرا ممکن است بواسطه پاره‌ای اشخاص در قبر و عالم برزخ معذب و گرفتار باشند و بواسطه ایمان در قیامت مورد شفاعت و مغفرت و عفو الهی شوند لذا در خبر است که فرمودند بمؤمنین که شما در فکر قبر و عالم برزخ باشید ما در قیامت شما را شفاعت میکنیم (برگ عیشی بگور خویش فرست، کس نیارد ز پس تو پیش فرست) و ما را مفتضح مفرما در نزد حاضرین در قیامت بعذابهای معاصی را به اینکه معاصی که در نامه عمل ما است محو فرمایی و بجای آنها حسنات ثبت فرمایی و ما چنان کسانی باشیم که فرموده‌ای فَأُوْلَئِکَ یُبَدِّلُ اللَّهُ سَیِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ فرقان آیه ۷۰ و از کسانی باشیم که فردای قیامت بجمع حاضر بگوئیم

(هاؤم اقرءوا کتابیه)

الحاقه آیه ۱۹ و ما را داخل در اصحاب یمین فرما و در خدمت اولیاء خود و اعمال ما را از نظر شهود ببر که احدی نباشد که شهادت دهد بمعاصی ما فقط خود میدانی و بس و همین کافیست بر شرمندگی و خجلت ما

و ارحم بالقرآن فی موقف العرض علیک ذل مقامنا

و رحم فرما ببرکت تلاوت قرآن در موقعی که در پیشگاه عرش ما را بر تو عرضه میدارند، ذلت و خفهٔ و سربزیری و خجلت و شرمندگی ما را و از اعمال و کردار و رفتار ما صرف نظر فرما که سخت‌ترین مواقف قیامت این موقف است.

در حدیث دارد که برای جهنم هفت ایستگاه است در هر یک بازپرسی میکنند ۱- از ولایت ۲- از صلوهٔ ۳- از زکاهٔ ۴- از صوم ۵- از حج ۶- از امر بمعروف و نهی از منکر ۷- از مظالم و اشخاصی که بر صراط عبور میکنند بعضی کالبرق الخاطف بعضی سواره بعضی پیاده بعضی نشسته بعضی لغزش دارند و در جهنم میافتند بعضی أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۲۶

و نجنا به من کل کرب یوم القیامهٔ و شدائد اهوال یوم الطامهٔ و بیض وجوهنا یوم تسود وجوه الظلمه فی یوم الحسرهٔ و الندامهٔ

اصلا بر صراط عبور نمیکنند و در عذاب میافتند و روشن و نورانی فرما ببرکت قرآن قبل از بعثت در قیامت که عالم برزخ است بین دنیا و آخرت که می‌فرمایی وَ مِنْ وَرائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ مؤمنون آیه ۱۰۲ تاریکی و ظلمت قبرهای ما را، نورانیت قبر بنور ایمان و ولایت و اعمال صالحه است مثل نماز و سایر عبادات و ظلمت قبر بظلمت کفر و ضلالت و معاصی الهیست و تمام از برکات قرآن است و از مخالفت قرآن عمل بر طبقش نورانیت میآورد و مخالفتش ظلمت تولید خواهد کرد.

و نجات ده ما را به این قرآن از اندوه و مشقت روز قیامت و سختیهای احوال روز طامه یکی از اسامی قیامت طامهٔ الکبری است و

طـامه بلاـ و معصـیت است که استیلاـ پیـدا میکنـد و تمـام اطراف آن را احـاطه کرده و کرب گرفتاریهـای محشـر و شدائـد احوال و سختی‌های حالات انسانست و کروب و شدائد احوال روز قیامت بسیار است از آن آنی که از قبر خارج شود خطاب

(خذوه و غلوه و فی سلسلهٔ زرعها زراعا فاسلکوه)

اشاره

تا پای حساب سختیهای حساب و پای میزان و حرارت زمین محشر و روی سیاه و سایر عقبات قیامت که میفرماید

(للقیامهٔ خمسین موقفا کل موقف مقام الف سنه ثم تلی فی یوم کان مقداره خمسین الف سنه)

بگویی پروردگـارا از برکت قرآن مـا را از تمـام این کروب و رذائـل نجـات عنـایت فرما که هیـچ گونه وحشت و اضـطرابی نداشـته باشیم.

اشاره بآیه شـریفه (یَوْمَ تَبْیَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِینَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أ کَفَرْتُمْ بَعْدَ إِیمانِکُمْ فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما کُنْتُمْ تَکْفُرُونَ وَ أَمَّا الَّذِینَ ابْیَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِی رَحْمَتِ اللَّهِ هُمْ فِیها خالِدُونَ) آل عمران ۱۰۲ و ۱۰۳ و مراد از ظلمهٔ سه نوع ظلم داریم، ظلم بدین، ظلم بغیر، ظلم بنفس، ظلم بدین کفر و شرک و ضلالت و بدعت و انکار ضروریات دین و مذهب است ظلم بغیر ظلم در حق انبیاء و ائمه و مؤمنین است و ظلم بنفس ارتکاب معاصی کبار که موجب استحقاق عذاب شود و هر سه قسم با صورت سیاه أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۲۷

و اجـل لنا فی صـدور المؤمنین ودا و لا تجعل الحیاهٔ علینا نکـدا اللهم صل علی محمـد عبـدک و رسولک کما بلغ رسالتک و صـدع بامرک و نصح لعبادک

وارد محشـر میشوند، می‌گویی پروردگارا ما را از این سه دسـته قرار مده داخل در مؤمنین که بدون گناه وارد محشر شویم و احدی بر ما حقی نداشـته باشـد و باحدی ظلم نکرده باشـیم، آیا کسانی که جمیع سه قسم ظلم را نموده باشـند مثل معاندین ائمه طاهرین از خلفاء سه گانه و بنی امیه و بنی العباس و اتباع آنها با چه صورتی وارد میشوند، و یکی از اسامی قیامت یوم الحسرهٔ و الندامه است.

زیرا تمـام اهل محشـر نیک و بـد آنها حسـرت و نـدامت دارنـد، اما نیکان برای اینکه چرا در دنیا بیشتر و زیادتر کوشـش در تکمیل ایمـان و تهـذیب اخلاق و اطاعت در عبادت نکردیم تا مشـمول بیشتر از تفضـلات الهی شویم و اما بـدان چرا ایمان نیاوردیم و ازاله اخلاـق رذیله نکردیم و امتثال اوامر الهی ننمودیم و مرتکب معاصـی شـدیم و مقرر فرما از برای ما در قلوب مؤمنین محبت و دوستی را و قرار مـده معیشت مـا را سـخت و دشوار، امـا محبت در قلوب اهـل ایمـان منوط بایمان و عمل صالـح است چنانچه میفرمایـد إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَیَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا زخرف آیه ۹۶ و نیز میفرماید الْأَخِلَّاءُ یَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِینَ زخرف آیه ۶۷ و دوستی و عداوت فرع معرفت است

از برای دوستی سه مرحله گفته‌اند:

۱- اینکه طرف را فقط دوست دارد مثل دو رفیق.

۲- اینکه دوستان او را هم دوست دارد.

۳- اینکـه دشـمنان او را دشـمن دارد، و حب و بغض بالاـخص نسبت بـذوی القربی که مزد رسـالت پیغمبر (ص) است جزو ایمـان میباشد که مسئله تبری و تولی است که نفس دوستی این خاندان و دشمنی دشمنان آنها داخل در ایمانست بلکه جزو اصل ایمانست که بـدون او ایمان تحقق پیـدا نمیکند چنانچه راوی سؤال کرد از حضـرت صادق (ع) که (هل الحب و البغض من الایمان) حضـرت

فرمود

(هل الایمان الا الحب و البغض)

و اما اظهار دوستی و دشمنی جزو فروع دین است و واجب است و معنی أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۲۸

اللهم اجعل نبینا صلواتک علیه و علی آله یوم القیامهٔ اقرب النبین منک مجلسا

تبری و تولی است و اما زندگانی نکند فقر وفاقه و امراض و بلیات و ضیق معیشت و غرق دنیا و هوای نفس و اطاعت شیطانست که بدترین زندگانیست و اما دنیایی که وسیله آخرت باشد بهترین زندگانیست که او را دنیای بلاغ گفتند چون تحصیل آخرت منحصر بهمین حیاهٔ چهار روزه دنیویست از سن تکلیف تا موت مقام عبودیت بالاتر از مقام رسالت است زیرا حقیقت عبودیت اینست که خردلی از فرمان مولی بیرون نرود که مقام عصمت است و خداوند بشیطان میفرماید إِنَّ عِبادِی لَیْسَ لَکَ عَلَیْهِمْ سُلْطانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الْغاوِینَ حجر آیه ۴۲ و در تشهد نماز هم مقدم ذکر شده و مقام رسالت هم ذی مراتب است تا مقام اولو العزمی آنهم ذی مراتب است تا مقام خاتمیت که بر سراسر دنیا جن و انس تا دامنه قیامت

(کما بلغ رسالتک)

از دعوت بتوحید تا آخرین دستوراتی که بر او نازل شده که ولایت امیر المؤمنین و ائمه طاهرین باشد

(و نصح لعبادک)

چه اندازه موعظه و نصیحت و سفارش بامت فرمود و حق و باطل را بآنها نشان داد که تمام هم او نجات امت بوده حتی در قبر رب امتی

میگفت، فردای قیامت هم رب امتی میگوید

(و صدع بامرک)

و بطور واضح و روشن و آشکارا اوامر ترا اعلام فرموده و انجام داد با اینکه چه اندازه او را تهدید کردند و چه اندازه اذیت کردند و در مقابل یک دنیا شرک و کفر قیام کرد و استقامت ورزید.

اما اقربیت حضرت رسالت جایی که در معراج برود تا

(قاب قوسین او ادنی)

و در قرآن بخاتم النبین تعبیر فرماید و از ضروریات دین افضلیت آن حضرت است که منکرش کافر است و در قیامت اول کسی که وارد بهشت میشود و امتش هم قبل از سایر امم بهشت میروند یعنی مؤمنین از آنها و اوصیاء او هم قبل از انبیاء و اوصیاء وارد میشوند.

و تعبیر بمجلس این نیست که مجسمه از عامه قائل هستند که العیاذ خدا بر تخت نشسته و حضرت پهلوی او نشسته است زیرا خدا جسم نیست مکان ندارد بلکه مراد رتبه و مقام است که در صفات الهی از علم و قدرت و حلم و سایر صفات ربوبی از أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۲۹

اجلهم عندک قدرا و او جهنم عندک جاها

تمام انبیاء بالاتر و نزدیکتر است و در حدیث داریم

(تخلّقوا باخلاق اللّه)

چنانچه هر عمل نیکو از عبادات و اعتقادات و اخلاق قرب بالهی پیدا میکند، می گویی قربهٔ الی اللّٰه

(و امکنهم منک شفاعهٔ)

شفاعت کبری خاصه پیغمبر اکرم است و اسباب شفاعتش هم بیشتر است در حدیث آمده فردای قیامت که خلق اولین و آخرین مجتمع میشوند حیران و سرگردان هستند از آدم و نوح و ابراهیم و غیر آنها سؤال میکنند که از خدا بخواهند رسیدگی بحساب بندگان فرماید آنها میگویند از عهده ما خارج است تا خدمت حضرت رسول او از خدای متعال درخواست میکند، خداوند اجابت میفرماید، خطاب میرسد امت خود را بیاور در محکمه حساب، حضرت نیکان امت را میبرد خطاب میرسد (این العاصون)

حضرت کسانی را میبرد که

(خلطوا عملا صالحا و آخر سیئا)

که خداوند وعده عفو بآنها داده که میفرماید وَ آخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صالِحاً وَ آخَرَ سَیِّئاً عَسَی اللَّهُ أَنْ یَتُوبَ عَلَیْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ توبه آیه ۱۰۳.

اینها را میبرد خطاب میرسد

(این العاصون)

حضرت عاصیان را میبرد خطاب میرسد

(اخرج یا احمد)

حضرت خارج میشود، آتش آنها را احاطه میکند آنان استغاثه میکنند حضرت بر میگردد، آتش دور میگردد تا سه مرتبه، عرض میکند پروردگارا بمن وعده شفاعت داده‌ای که خود حضرت میفرماید:

(ان شفاعتی لاهل الکبائر من امتی)

خداوند اجازه میدهد حضرت میفرستد که دخترش فاطمه (ع) اسباب شفاعت را بیاورد، صدیقه طاهره بکیفیت بسیار مفصلی وارد میشود و اسباب شفاعت را میآورد، پیراهن فرزندش حسین (ع) روی سر انداخته، دراعه زهرآلود حسن، عمامه خون‌آلود امیر المؤمنین، دو دست بریده ابا الفضل و سایر آنها را میبرد و تمام مؤمنین ببرکهٔ شفاعت این خاندان رستگار میشوند، حدیث بسیار مفصل است، بهمین اندازه اشاره شد.

اما جلالت قدر همین بس است که فرموده خدا را نشناخت جز من و علی و مرا أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۳۰

اللهم صل علی محمد و آل محمد و شرف بنیانه و عظم برهانه و ثقل میزانه و تقبل شفاعته و قرب وسیلته و بیض وجهه و اتم نوره و ارفع درجته و احینا علی سنیهٔ و توفنا علی ملته و خذ بنا منهاجه و اسلک بنا سبیله و اجعلنا من اهل طاعته و احشرنا فی زمرته و اوردنا حوضه و اسقنا بکاسه

نشناخت جز خدا و علی و علی را نشناخت جز خدا و من و معلوم است که ما دون پی بمقام ما فوق نمیبرد و اما جاه و مقام همین بس است که مقام محمود باو عنایت شده که تمام اهل محشر از انبیاء و ما دون ستایش و تمجید میکنند با اینکه حمد مختص بخدا است که میفرماید وَ مِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَکَ عَسی أَنْ یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقاماً مَحْمُوداً اسراء آیه ۸۱.

بعد الصلاهٔ عرض میکنی پروردگار پیغمبر اکرم را و

(شرف بنیانه)

بنیان پیغمبر دین مقدس اسلام است و شرافت او بر تمام ادیان دین او را بر تمام ادیان شرافت ده

(و عظم برهانه)

برهان او قرآن مجید است بر تمام کتب سماویه عظمت ده و عظیم گردان

(و ثقل میزانه)

که اگر عبادهٔ تمام انبیاء و مؤمنین جن و انس و جمیع ملائکه و شهداء و صدیقین را در یک کفه گذارند برابری نکند با عبادات او و بیانات او و هدایت و ارشاد او.

(تقبل شفاعته)

حتی در حق انبیاء و مقربان درگاهت در ارتفاع درجات آنها و مراتب آنها.

(و قرب وسیلته)

و منزلهٔ و مقام و مرتبه او را بخود نزدیک فرما

(و بیض وجهه)

در میان تمام انبیاء و اولیاء و ملائکه و اهل بهشت او را آبرومند گردان

(و اتم نوره)

همین نحوی که در ابتداء خلقت اولین مخلوق تو نور مقدس او بوده روز بروز بر نور او و آلش افزون فرما و در روایت است که بدن مبارکش سایه نداشت و شب اگر در جاده میگذشت خانه‌های اطراف جاده را روشن میفرموده و در حدیث کساء صدیقه طاهره میفرماید:

(و صرت انظر الی وجهه کانه البدر فی لیلهٔ تمامه و کماله)

و در زیارت جامعه أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۳۱

و صل اللهم علی محمد و آله صلوهٔ تبلغه بها افضل ما یامل من خیرک و فضلک و کرامتک انک ذو رحمهٔ واسعهٔ و فضل کریم

در حق او و آلش دارد

(خلقکم اللّٰه انوارا فجعلکم بعرشه محدقین)

(و ارفع درجته)

که با مقام ربوبی و واجب الوجودی که یک میم امکانی فرق باشد، ز احمد تا احد یک میم فرقست همه عالم در آن یک میم قرقست در حدیث است

(نزلونا من الربوبیه و قولوا فی حقنا ما شئتم)

(و احیینا علی سنته)

که ما در دنیا بر طبق سنت و طریقه حقه او باشیم و قدمی بر خلاف نگذاریم تا آخر عمر

(و توفنا علی ملته)

بدین مقدس او از دنیا بیرون رویم و در زمره ملت او محشور شویم

(و خذ بنا منهاجه)

و ما را بر طریقه و منهاج او قرار ده و منهاج و طریقه او را بما عنایت فرما

(و اسلک بنا سبیله)

و ما را بر طریقه او سپرده که ایمان و توفیق ما در کنف خود محفوظ باشد و نگهداری فرمایی که ما بخودی خود نمیتوانیم نگهداری کنیم تا حفظ تو نباشد.

(و اجعلنا من اهل طاعته)

که قدمی بر خلاف طاعت او برنداریم که میفرماید یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکُمْ نساء آیه ۶۲

(و احشرنا فی زمرته)

که میفرمایـد وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً نساء آیه ۷۲، افضل النبیین نبینا و افضل الصدیقین امیر المؤمنین که صدیق اکبر است و اول من صدق رسول اللَّه است و افضـل الشـهداء سید الشـهداء ابی عبد اللَّه الحسین و افضل الصالحین الأئمه الطاهرین اللهم احشـرنا معهم و فی زمرتهم بحقهم صـلواتک و سلامک علیهم

(و اوردنا حوضه)

حوض کوثر است که میفرماید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ إِنَّا أَعْطَیْناکَ الْکَوْثَرَ و ساقی آن امیر المؤمنین است و بعدد ستاره‌های آسمان لیوان اطراف آنست

(و اسقنا بکاسه)

که دارد دوستان خود را سقایت میفرماید و دشمنان را رد میکند.

اصل صلواهٔ من اللَّه رحمهٔ واسعهٔ الهیه است و در قرآن بفعل مضارع تعبیر أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۳۲

اللهم اجزه بما بلغ من رسالاتک وادی من آیاتک و نصـح لعبادک و جاهـد فی سبیلک افضل ما جزیت احدا من ملائکتک المقربین و انبیائک المرسلین المصطفین و السلام علیه و علی آله الطیبین الطاهرین و رحمهٔ اللَّه و برکاته

فرموده که اشاره بـدوام و عـدم انقطاع است که میفرماید إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَـلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَـلُّوا عَلَیْهِ وَ سَـلِّمُوا تَسْلِیماً احزاب ۵۶ و اما

(تبلغه بها افضل ما یأمل)

آمال رسول بسیار است در آیه شریفه میفرماید وَ لَسَوْفَ یُعْطِیکَ رَبُّکَ فَتَرْضی الضحی آیه ۵ و از حضرت رسالت است که فرمود تا یک نفر از امت من در صحرای محشر باقیست من راضی نمیشوم تا تمام آنها را شفاعت نکنم

(من خیرک و فضلک و کرامتک)

تمام نعم الهیه خیر است و تمام عنایات او فضل و تفضل است و تمام شئونات کرم است و درجه اعلای آنها نصیب پیغمبر است

(انک ذو رحمهٔ واسعه و فضل کریم)

نه رحمتت تمام میشود و نه تفضلاتت خاتمه پیدا میکند.

(اللهم اجزه)

تعبیر بجزا برای وعـده الهیه که تخلف پـذیر نیست نه از جهت اسـتحقاق بلکه از جهت تفضل زیرا هر چه بنده بجا آورد تقابل با نعم الهی نمیکند چه رسد طلب اجر و مزد کند.

(خاتمه دعاء) و از این دعاء شـریف نکاتی اسـتفاده میشود که برای تنبیه رفقاء اشاره مختصـری میکنیم ان شاء اللَّه تعالی، یکی آنکه در ایندعاء شریف آنچه بیان فرموده بنحو متکلم مع الغیر بیان کرده نه متکلم وحده و مراد از غیر جمیع شیعیان الی یوم القیامهٔ هستند بدلیل قولهم علیهم السلام

(شیعتنا منا خلقوا من فاضل طینتنا و عجنوا بنور ولایتنا)

و البته بلکه صد البته دعاء حضرت زین العابدین (ع) در پیشگاه احدیت مستجاب است و این یک بشارت بزرگیست برای شیعیان.

نکته دوم- در اینـدعاء شـریف فوائـد و نتایـج و ثمرات تلاـوت و قرائت و عمل بدسـتورات قرآن را بیان فرموده زائـد بر آنچه در هر

سوره و آیه محل خود ذکر شده و زائد بر آنچه در مقدمه تذکر داده‌ایم و از این بیان تا اندازه‌ای اهمیت قرآن معلوم میشود.

نکته سوم- اینکه از مضامین اینـدعا استفاده میشود علاوه از آنچه از ادله و أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۳۳

اخبار و ضـرورت مـذهب شـیعه اسـتفاده کرده‌ایم که بقدر خردلی قرآن بر غیر مؤمنین از مخالفین من الاولین و الاخرین بهره و ثمره ندارد بلکه خصم آنها است حتی از کفار و مشرکین سخت‌تر و شدیدتر است.

نکته چهـارم- اینکه شیعه با کمال جـدیت بایـد حفظ تشیع خود را بکنـد و از دسـتورات قرآن بیرون نرود و با ایمان از دنیا برود تا مشمول این تفضلات واقع شود.

نکته پنجم- اینکه آنچه در اینـدعاء دعاء در حق پیغمبر اکرم شده تمام بنفع شـیعه تمام میشود، از خدا میخواهیم و او را قسم میدهیم بمقـام این خانـدان که ایمان ما را در کنف خود حفظ فرمایـد و ما را در زمره این خانـدان محشور نمایـد و از فیوضات آنها بهره‌مند کنـد و الحمد للّه و صـلی اللّه علی محمد و آله و انا احقر الناس السـید عبد الحسـین طیب غفر اللّه له. أطیب البیان فی تفسـیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۳۴

بسم اللّه الرحمن الرحیم خاتمه مشتمل بر اموریست:

امر اول اینکه در اینقرآن‌های مطبوعه علاماتی از برای وقف و وصل نوشـته شـده مثل م علامت وقف لازم- ط علامت وقف مطلق- ج علامت وقف جـائز- ز علامت وقف مجوز، ص علامت وقف مرخص، ق علامت اینکه قیـل بـالوقف، ك علامت کـذلك، لا علامت عـدم جـواز وقف، و بعضـی علامـات دیگری نوشـته شـده، قف علامت وقف مطلق قفه، س علامت سـکنه در وقف، ق لا علامت اینکه قیـل لا وقف، صل علامت وصل است ضـد وقف، صـلی علامت اینکه وصل اولی است، جه علامت اینکه در وقف و وصل دو وجه است، که صب علامت وقف بشرط، وصل بما بعد او، صق علامت وقف بشرط وصل ما قبل او، ه علامت پنج آیه، ی علامت ده آیه، و لـکن در بسیار از موارد اشـتباه و خطا است که ذکر آن موارد بسیار صـعب است، بایـد قاری متوجه باشـد یا از اهلش سؤال کند.

امر دوم اینکه عدد سوره‌ها و آیات و کلمات و حروف قرآن را در هر سوره معین کردند و در بسیاری اختلاف هم قراء دارند.

عدد سوره‌ها ۱۱۴ سـوره و عـدد آیـات بر حسب صورت ذیـل سوره آیه سوره آیه سوره آیه ۱ ۷ ۲ ۲۸۶ ۳ ۲۰۰ ۴ ۱۷۶ ۵ ۱۲۰ ۶ ۱۶۵ ۷ ۲۰۶ ۸ ۷۵ ۹ ۱۲۹ ۱۰ ۱۰۹ ۱۱ ۱۲۳ ۱۲ ۱۱۱ ۱۳ ۴۳ ۱۴ ۵۲ ۱۵ ۹۹ ۱۶ ۱۲۸ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۳۵

۱۷ ۱۱۱ ۱۸ ۱۱۰ ۱۹ ۹۸ ۲۰ ۱۳۵ ۲۱ ۱۱۲ ۲۲ ۷۸ ۲۳ ۱۱۸ ۲۴ ۶۴ ۲۵ ۷۷ ۲۶ ۲۲۷ ۲۷ ۹۳ ۲۸ ۸۸ ۲۹ ۶۹ ۳۰ ۶۰ ۳۱ ۳۴ ۳۲ ۳۰ ۳۳ ۷۳ ۳۴ ۵۴ ۳۵ ۴۵ ۳۶ ۸۳ ۳۷ ۱۸۲ ۳۸ ۸۸ ۳۹ ۷۵ ۴۰ ۸۵ ۴۱ ۵۴ ۴۲ ۵۳ ۴۳ ۸۹ ۴۴ ۵۹ ۴۵ ۳۷ ۴۶ ۳۵ ۴۷ ۳۸ ۴۸ ۲۹ ۴۹ ۱۸ ۵۰ ۴۵ ۵۱ ۶۰ ۵۲ ۴۹ ۵۳ ۶۲ ۵۴ ۵۵ ۵۵ ۷۸ ۵۶ ۹۶ ۵۷ ۲۹ ۵۸ ۲۲ ۵۹ ۲۴ ۶۰ ۱۳ ۶۱ ۱۴ ۶۲ ۱۱ ۶۳ ۱۱ ۶۴ ۱۸ ۶۵ ۱۲ ۶۶ ۱۲ ۶۷ ۳۰ ۶۸ ۵۲ ۶۹ ۵۲ ۷۰ ۴۴ ۷۱ ۲۸ ۷۲ ۲۸ ۷۳ ۲۰ ۷۴ ۵۶ ۷۵ ۴۰ ۷۶ ۳۱ ۷۷ ۵۰ ۷۸ ۴۰ ۷۹ ۴۶ ۸۰ ۴۲ ۸۱ ۲۹ ۸۲ ۱۹ ۸۳ ۳۶ ۸۴ ۲۵ ۸۵ ۲۲ ۸۶ ۱۷ ۸۷ ۱۹ ۸۸ ۲۶ ۸۹ ۳۰ ۹۰ ۲۰ ۹۱ ۱۵ ۹۲ ۲۱ ۹۳ ۱۱ ۹۴ ۸ ۹۵ ۸ ۹۶ ۱۹ ۹۷ ۵ ۹۸ ۸ ۹۹ ۸ ۱۰۰ ۱۱ ۱۰۱ ۱۱ ۱۰۲ ۸ ۱۰۳ ۳ ۱۰۴ ۹ ۱۰۵ ۵ ۱۰۶ ۴ ۱۰۷ ۷ ۱۰۸ ۳ ۱۰۹ ۶ ۱۱۰ ۳ ۱۱۱ ۵ ۱۱۲ ۴ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۳۶

۱۱۳ ۵ ۱۱۴ ۶ جمع کل آیه ۶۱۹۵ سـوره کلمه سوره کلمه سوره کلمه ۱ ۲۵ ۲ ۶۱۴۱ ۳ ۴۴۸ ۴ ۳۷۴۵ ۵ ۲۸۰۴ ۶ ۳۵۲ ۷ ۳۳۲۱ ۸ ۱۲۳۱ ۹ ۲۴۹۷ ۱۰ ۱۸۳۲ ۱۱ ۱۹۱۲ ۱۲ ۱۷۳۶ ۱۳ ۹۸۵ ۱۴ ۸۳۱ ۱۵ ۶۵۴ ۱۶ ۱۸۴۱ ۱۷ ۱۹۲۳ ۱۸ ۱۵۷۷ ۱۹ ۹۶۲ ۲۰ ۱۳۴۱ ۲۱ ۱۱۶۸ ۲۲ ۱۲۹۱ ۲۳ ۱۰۴۵ ۲۴ ۱۳۱۶ ۲۵ ۸۹۲ ۲۶ ۱۲۹۶ ۲۷ ۱۱۴۰ ۲۸ ۱۴۴۱ ۲۹ ۹۸۰ ۳۰ ۸۱۹ ۳۱ ۵۴۸ ۳۲ ۳۸۰ ۳۳ ۱۲۸۸ ۳۴ ۸۸۳ ۳۵ ۷۷۷ ۳۶ ۷۲۷ ۳۷ ۸۶۰ ۳۸ ۷۳۱ ۳۹ ۱۱۷۲ ۴۰ ۱۱۹۹ ۴۱ ۷۹۶ ۴۲ ۸۶۰ ۴۳ ۸۳۳ ۴۴ ۳۴۶ ۴۵ ۴۸۹ ۴۶ ۶۴۴ ۴۷ ۵۳۹ ۴۸ ۵۶۰ ۴۹ ۲۴۳ ۵۰

۳۷۵ ۵۱ ۳۶۰ ۵۲ ۳۱۲ ۵۳ ۳۶۰ ۵۴ ۳۴۲ ۵۵ ۳۵۱ ۵۶ ۳۷۸ ۵۷ ۵۴۴ ۵۸ ۴۷۳ ۵۹ ۴۴۵ ۶۰ ۳۴۸ ۶۱ ۲۲۱ ۶۲ ۱۷۵ ۶۳ ۱۷۹ ۶۴ ۲۴۱ ۶۵ ۲۸۷ ۶۶ ۲۴۹ ۶۷ ۳۳۵ ۶۸ ۳۰۰ ۶۹ ۲۵۶ ۷۰ ۲۱۶ ۷۱ ۲۲۴ ۷۲ ۲۸۵ ۷۳ ۱۹۹ ۷۴ ۲۵۵ ۷۵ ۱۶۵ ۷۶ ۲۴۲ ۷۷ ۱۸۱ ۷۸ ۱۷۳ ۷۹ ۱۷۹ ۸۰ ۱۴۲ ۸۱ ۱۰۴ ۸۲ ۸۰ ۸۳ ۱۶۹ ۸۴ ۱۰۷ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۳۷

۸۵ ۱۰۹ ۸۶ ۶۱ ۸۷ ۷۲ ۸۸ ۹۲ ۸۹ ۱۳۷ ۹۰ ۸۲ ۹۱ ۵۴ ۹۲ ۷۱ ۹۳ ۴۰ ۹۴ ۲۷ ۹۵ ۳۴ ۹۶ ۷۲ ۹۷ ۳۰ ۹۸ ۹۴ ۹۹ ۳۵ ۱۰۰ ۴۰ ۱۰۱ ۳۶ ۱۰۲ ۲۸ ۱۰۳ ۱۴ ۱۰۴ ۳۳ ۱۰۵ ۲۳ ۱۰۶ ۱۷ ۱۰۷ ۲۵ ۱۰۸ ۱۰ ۱۰۹ ۲۶ ۱۱۰ ۱۹ ۱۱۱ ۲۳ ۱۱۲ ۱۵ ۱۱۳ ۲۳ ۱۱۴ ۲۰ جمع کل کلمه ۷۲۸۳۸ سوره حروف سوره حروف سوره حروف ۱ ۱۲۷ ۲ ۲۵۵۰۰ ۳ ۱۴۵۲۰ ۴ ۱۶۵۳۰ ۵ ۱۱۷۳۳ ۶ ۲۴۲۲ ۷ ۱۴۳۱۰ ۸ ۵۲۹۴ ۹ ۱۰۱۸۷ ۱۰ ۷۵۶۷ ۱۱ ۷۵۶۷ ۱۲ ۷۱۶۶ ۱۳ ۳۵۰۶ ۱۴ ۳۴۳۴ ۱۵ ۲۷۷۱ ۱۶ ۷۷۰۷ ۱۷ ۶۴۰۶ ۱۸ ۶۳۶۰ ۱۹ ۳۸۰۲ ۲۰ ۵۲۴۲ ۲۱ ۴۸۹۰ ۲۲ ۵۱۷۰ ۲۳ ۴۸۰۲ ۲۴ ۵۶۸۰ ۲۵ ۳۷۵۳ ۲۶ ۵۵۴۲ ۲۷ ۳۷۹۹ ۲۸ ۵۸۰۰ ۲۹ ۴۱۹۵ ۳۰ ۳۵۳۴ ۳۱ ۲۱۱۰ ۳۲ ۱۵۱۳ ۳۳ ۵۸۹۶ ۳۴ ۳۵۱۲ ۳۵ ۳۱۳۰ ۳۶ ۳۵۵۵ ۳۷ ۳۸۲۶ ۳۸ ۳۰۶۹ ۳۹ ۴۷۰۸ ۴۰ ۴۹۶۰ ۴۱ ۳۳۵۰ ۴۲ ۳۵۸۸ ۴۳ ۳۴۰۰ ۴۴ ۱۴۳۱ ۴۵ ۲۱۹۱ ۴۶ ۲۶۰۰ ۴۷ ۲۳۴۹ ۴۸ ۲۴۳۸ ۴۹ ۱۴۷۶ ۵۰ ۱۴۷۴ ۵۱ ۱۵۰۰ ۵۲ ۱۵۰۰ ۵۳ ۱۴۰۵ ۵۴ ۱۴۲۲ ۵۵ ۱۶۳۶ ۵۶ ۱۷۰۳ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۳۸

۵۷ ۲۴۷۶ ۵۸ ۱۷۹۲ ۵۹ ۱۹۱۳ ۶۰ ۱۵۱۰ ۶۱ ۹۲۶ ۶۲ ۷۴۸ ۶۳ ۷۷۶ ۶۴ ۱۰۷۰ ۶۵ ۱۱۶۰ ۶۶ ۱۱۶۳ ۶۷ ۱۳۱۳ ۶۸ ۱۲۵۶ ۶۹ ۱۰۸۴ ۷۰ ۸۶۱ ۷۱ ۹۵۰ ۷۲ ۷۵۹ ۷۳ ۸۳۸ ۷۴ ۱۰۱۰ ۷۵ ۶۵۲ ۷۶ ۱۱۵۲ ۷۷ ۸۱۶ ۷۸ ۷۷۰ ۷۹ ۷۵۳ ۸۰ ۵۳۳ ۸۱ ۴۲۵ ۸۲ ۳۲۷ ۸۳ ۷۳۰ ۸۴ ۴۳۰ ۸۵ ۴۵۸ ۸۶ ۲۴۶ ۸۷ ۲۷۱ ۸۸ ۳۸۱ ۸۹ ۵۹۷ ۹۰ ۳۳۱ ۹۱ ۲۴۷ ۹۲ ۳۱۰ ۹۳ ۱۷۲ ۹۴ ۱۰۳ ۹۵ ۱۵۰ ۹۶ ۲۷۰ ۹۷ ۱۱۲ ۹۸ ۳۹۶ ۹۹ ۱۴۹ ۱۰۰ ۱۶۳ ۱۰۱ ۱۵۲ ۱۰۲ ۱۲۲ ۱۰۳ ۶۸ ۱۰۴ ۱۳۳ ۱۰۵ ۹۶ ۱۰۶ ۷۳ ۱۰۷ ۱۱۱ ۱۰۸ ۴۳ ۱۰۹ ۹۴ ۱۱۰ ۷۹ ۱۱۱ ۸۱ ۱۱۲ ۴۷ ۱۱۳ ۷۳ ۱۱۴ ۸۰ جمع کل حروف ۲۹۶۲۱۶ مخفی نماند که بین قراء در عدد آیات و کلمات و حروف اختلاف است ما فقط نقل معروف کردیم.

امر سیم- اینکه آیات شریفه قرآن اقسامی دارد یک قسم نصوص قرآن است که صریح در مطلب است و احتمال خلاف در آن نمیرود اینقسم واجب التصدیق است و واجب العمل و انکارش موجب کفر میباشد و یک قسم ظواهر قرآن است که احتمال خلاف ظاهر در او ضعیف است و ظواهر قرآن حجهٔ است و یکی از ادله اربعه احکام است اجماع و عقل و ظواهر قرآن و ظواهر اخبار معتبره که تعبیر بسنت میکنند لکن عمل بظاهر مشروط است بفحص از اینکه اگر ظاهر در عموم است مخصصی در سایر أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۳۹

آیات و اخبار نداشته باشد و اگر ظهور در اطلاق است مقیدی نداشته باشد و قرینه بر خلاف ظاهر نداشته باشیم و قرائن هم اقسامیست قرینه متصله و قرینه منفصله قرینه عقلیه و قرینه نقلیه و اجماع بر خلاف آن نداشته باشیم و الا باید صرف از ظهور کرد و فحص از قرائن مختص است. بمجتهد و یک قسم متشابهات قرآن است که احتمال چند معنی در آن میرود اینقسم را نباید تفسیر برأی نمود تا بیان معصوم برسد که عالم بتأویل و تفسیر قرآن هستند، بلی بطور احتمال که شاید مراد این باشد ضرر ندارد ولی بطور جزم غلط و باطل است و در قرآن صریحا منع فرموده هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَیْکَ الْکِتابَ مِنْهُ آیاتٌ مُحْکَماتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتابِ وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ فَأَمَّا الَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِیلِهِ وَ ما یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ آیه ۷ سوره آل عمران و راسخون فی العلم ائمه هدی معصومین هستند و اینکه در مصاحف پس از کلمه الا اللّٰه وقف لازم گذارده که حتی راسخون فی العلم هم علم بتأویل ندارند غلط صرف است که حتی پیغمبر هم نمیدانست و یک قسم مجملات است که احتیاج بتفصیل دارد آنهم مفصل باید معصوم باشد و یک قسم رموز قرآن است مثل حروف مقطعه صدر سور قرآنیه و آنهم اشاره بچه چیز است باید معصومین بیان کنند.

امر چهارم، وجوب احترام قرآن و حرمهٔ اهانت بآن که بسا موجب کفر میشود، چنانچه میفرماید وَ قالَ الرَّسُولُ یا رَبِّ إِنَّ قَوْمِی اتَّخَذُوا هذَا الْقُرْآنَ مَهْجُوراً فرقان آیه ۳۰ و وجوب تمسک بآن که احد ثقلین است چنانچه فرموده

(انی تارک فیکم الثقلین لن یفترقا حتی یردا علی الحوض ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابدا

از احادیث متواتره است و حرمت مس کتابت قرآن بدون طهارت چنانچه میفرماید إِنَّهُ لَقُرْآنٌ کَرِیمٌ فِی کِتابٍ مَکْنُونٍ لا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ واقعه آیه ۷۷ الی ۷۹ و حرمت تنجیس قرآن و وجوب تطهیر آن و حسن حفظ قرآن و نگاه بخط قرآن و سایر احترامات آن، امر پنجم- تلاوت قرآن که برای هر آیه آن یک درجه قاری آن را در بهشت أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۴۰ بالا میبرد که در حدیث دارد، فردای قیامت در بهشت باو میگویند

(اقرء فارتق)

و در قرآن میفرماید فَاقْرَؤُا ما تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ الی قوله فَاقْرَؤُا ما تَیَسَّرَ مِنْهُ مزمل آیه ۲۰ و قرائت قرآن باید شمرده قرائت کرد باصطلاح و بزبان ما تند و تند که کلمات آن مفهوم نشود نباید خواند که در آیه ۴ سوره مزمل میفرماید وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلًا و با حال خضوع و خشوع و توجه بمعانی آن و در آیات عذاب استعاذه کردن و در آیات ثواب طلب نمودن و سایر آداب قرائت.

امر ششم- سزاوار است پس از ختم کلام اللَّه ادعیه مأثوره از ائمه اطهار را تلاوت کند که افضل آنها دعاء صحیفه کامله سجادیه است و نیز سزاوار است که پس از ختم شروع کند از اول قرآن که وصل شود آخر آن باول آن و بداند که یکی از شفعاء بزرگ در روز قیامت قرآن مجید است کسانی را که او را تلاوت کردند و بدستوراتش عمل نمودند و او را محترم شمردند و به تنبیهات او متنبه شدند.

دیگر استشفاء بقرآن مجید است که بر هر دردی ظاهریه و باطنیه شفا دهنده است چنانچه میفرماید یا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَتْکُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ شِفاءٌ لِما فِی الصُّدُورِ وَ هُدیً وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ یونس آیه ۵۷ و نیز میفرماید قُلْ هُوَ لِلَّذِینَ آمَنُوا هُدیً وَ شِفاءٌ شوری آیه ۴۴ و نباشید جزو کسانی که قرآن خصم آنها باشد و آنها را لعن کند که فرمودند

(رب تالی القرآن و القرآن یلعنه)

دیگر قرآن را با خود نگاه دارید که حافظ از جمیع بلاها و تصادفات است و در خانه‌ها تعطیل نگذارید و لو چند آیه از او تلاوت شود الحمد للَّه و الصلاة و السلام علی انبیاء اللَّه سیما رسول اللَّه و آله آل اللَّه و اللعن علی اعدائهم اعداء اللَّه الی یوم لقاء اللَّه اللهم اغفر لی و احشرنی مع القرآن و من نزل الیه و آله بحقهم صلوات اللَّه علیهم و انا العبد الحقیر الفقیر الذلیل المذنب المقصر السید عبد الحسین المدعو بالطیب.

الصحیفة السجادیة

ص ۱۷۴

(۴۲) (- وَ کَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَیْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خَتْمِ الْقُرْآنِ:)

(۱) اللَّهُمَ إِنَّکَ أَعَنْتَنِی عَلَی خَتْمِ کِتَابِکَ الَّذِی أَنْزَلْتَهُ نُوراً، وَ جَعَلْتَهُ مُهَیْمِناً عَلَی کُلِّ کِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَ فَضَّلْتَهُ عَلَی کُلِّ حَدِیثٍ قَصَصْتَهُ.

الصحیفة السجادیة، ص: ۱۷۶

(۲) وَ فُرْقَاناً فَرَقْتَ بِهِ بَیْنَ حَلَالِکَ وَ حَرَامِکَ، وَ قُرْآناً أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْکَامِکَ وَ کِتَاباً فَصَّلْتَهُ لِعِبَادِکَ تَفْصِیلًا، وَ وَحْیاً أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ- صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ- تَنْزِیلًا. (۳) وَ جَعَلْتَهُ نُوراً نَهْتَدِی مِنْ ظُلَمِ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ، وَ شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِفَهَمِ التَّصْدِیقِ إِلَی اسْتِمَاعِهِ، وَ مِیزَانَ قِسْطٍ لَا یَحِیفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ، وَ نُورَ هُدًی لَا یَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِینَ بُرْهَانُهُ، وَ عَلَمَ نَجَاةٍ لَا یَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُنَّتِهِ، وَ لا تَنَالُ أَیْدِی الْهَلَکَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَةِ عِصْمَتِهِ. (۴) اللَّهُمَّ فَإِذْ أَفَدْتَنَا الْمَعُونَةَ عَلَی تِلَاوَتِهِ، وَ سَهَّلْتَ جَوَاسِیَ أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ یَرْعَاهُ حَقَّ رِعَایَتِهِ، وَ یَدِینُ لَکَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِیمِ لِمُحْکَمِ آیَاتِهِ، وَ یَفْزَعُ إِلَی الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مُوضَحَاتِ بَیِّنَاتِهِ. (۵) اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ- صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ- مُجْمَلًا، وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُکَمَّلًا، وَ وَرَّثْتَنَا عِلْمَهُ مُفَسَّراً، وَ فَضَّلْتَنَا عَلَی مَنْ

جَهِلَ عِلْمَهُ، وَ قَوَّیْتَنَا عَلَیْهِ لِتَرْفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ یُطِقْ حَمْلَهُ. (۶) اللَّهُمَّ فَکَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً، وَ عَرَّفْتَنَا بِرَحْمَتِکَ شَرَفَهُ وَ فَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ الْخَطِیبِ بِهِ، وَ عَلَی آلِهِ الْخُزَّانِ لَهُ، وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِکَ حَتَّی لَا یُعَارِضَنَا الشَّکُّ فِی تَصْدِیقِهِ، وَ لَا یَخْتَلِجَنَا الزَّیْغُ عَنْ قَصْدِ طَرِیقِهِ. (۷) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ یَعْتَصِمُ بِحَبْلِهِ، وَ یَأْوِی مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَی حِرْزِ مَعْقِلِهِ، وَ یَسْکُنُ فِی ظِلِّ جَنَاحِهِ، وَ یَهْتَدِی بِضَوْءِ صَبَاحِهِ، وَ یَقْتَدِی بِتَبَلُّجِ أَسْفَارِهِ، وَ یَسْتَصْبِحُ بِمِصْبَاحِهِ، وَ لَا یَلْتَمِسُ الْهُدَی فِی غَیْرِهِ.

الصحیفة السجادیة، ص: ۱۷۸

(۸) اللَّهُمَّ وَ کَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّداً عَلَماً لِلدَّلَالَةِ عَلَیْکَ، وَ أَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَیْکَ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِیلَةً لَنَا إِلَی أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْکَرَامَةِ، وَ سُلَّماً نَعْرُجُ فِیهِ إِلَی مَحَلِّ السَّلَامَةِ، وَ سَبَباً نُجْزَی بِهِ النَّجَاةَ فِی عَرْصَةِ الْقِیَامَةِ، وَ ذَرِیعَةً نَقْدَمُ بِهَا عَلَی نَعِیمِ دَارِ الْمُقَامَةِ. (۹) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ احْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ، وَ هَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ، وَ اقْفُ بِنَا آثَارَ الَّذِینَ قَامُوا لَکَ بِهِ آنَاءَ اللَّیْلِ وَ أَطْرَافَ النَّهَارِ حَتَّی تُطَهِّرَنَا مِنْ کُلِّ دَنَسٍ بِتَطْهِیرِهِ، وَ تَقْفُوَ بِنَا آثَارَ الَّذِینَ اسْتَضَاءُوا بِنُورِهِ، وَ لَمْ یُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَیَقْطَعَهُمْ بِخُدَعِ غُرُورِهِ. (۱۰) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِساً، وَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّیْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِساً، وَ لِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَی الْمَعَاصِی حَابِساً، وَ لِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِی الْبَاطِلِ مِنْ غَیْرِ مَا آفَةٍ مُخْرِساً، وَ لِجَوَارِحِنَا عَنِ اقْتِرَافِ الْآثَامِ زَاجِراً، وَ لِمَا طَوَتِ الْغَفْلَةُ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الِاعْتِبَارِ نَاشِراً، حَتَّی تُوصِلَ إِلَی قُلُوبِنَا فَهْمَ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرَ أَمْثَالِهِ الَّتِی ضَعُفَتِ الْجِبَالُ الرَّوَاسِی عَلَی صَلَابَتِهَا عَنِ احْتِمَالِهِ. (۱۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَدِمْ بِالْقُرْآنِ صَلَاحَ ظَاهِرِنَا، وَ احْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَنْ صِحَّةِ ضَمَائِرِنَا، وَ اغْسِلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَ عَلَائِقَ أَوْزَارِنَا، وَ اجْمَعْ بِهِ مُنْتَشَرَ أُمُورِنَا، وَ أَرْوِ بِهِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ظَمَأَ هَوَاجِرِنَا، وَ اکْسُنَا بِهِ حُلَلَ الْأَمَانِ یَوْمَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ فِی نُشُورِنَا. (۱۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلَّتَنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ، وَ سُقْ إِلَیْنَا بِهِ رَغَدَ

الصحیفة السجادیة، ص: ۱۸۰

الْعَیْشِ وَ خِصْبَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ، وَ جَنِّبْنَا بِهِ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَةَ وَ مَدَانِیَ الْأَخْلَاقِ، وَ اعْصِمْنَا بِهِ مِنْ هُوَّةِ الْکُفْرِ وَ دَوَاعِی النِّفَاقِ حَتَّی یَکُونَ لَنَا فِی الْقِیَامَةِ إِلَی رِضْوَانِکَ وَ جِنَانِکَ قَائِداً، وَ لَنَا فِی الدُّنْیَا عَنْ سُخْطِکَ وَ تَعَدِّی حُدُودِکَ ذَائِداً، وَ لِمَا عِنْدَکَ بِتَحْلِیلِ حَلَالِهِ وَ تَحْرِیمِ حَرَامِهِ شَاهِداً. (۱۳) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ هَوِّنْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَی أَنْفُسِنَا کَرْبَ السِّیَاقِ، وَ جَهْدَ الْأَنِینِ، وَ تَرَادُفَ الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النُّفُوسُ التَّرَاقِیَ، وَ قِیلَ مَنْ رَاقٍ وَ تَجَلَّی مَلَکُ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ حُجُبِ الْغُیُوبِ، وَ رَمَاهَا عَنْ قَوْسِ الْمَنَایَا بِأَسْهُمِ وَحْشَةِ الْفِرَاقِ، وَ دَافَ لَهَا مِنْ ذُعَافِ الْمَوْتِ کَأْساً مَسْمُومَةَ الْمَذَاقِ، وَ دَنَا مِنَّا إِلَی الْآخِرَةِ رَحِیلٌ وَ انْطِلَاقٌ، وَ صَارَتِ الْأَعْمَالُ قَلَائِدَ فِی الْأَعْنَاقِ، وَ کَانَتِ الْقُبُورُ هِیَ الْمَأْوَی إِلَی مِیقَاتِ یَوْمِ التَّلَاقِ (۱۴) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ بَارِکْ لَنَا فِی حُلُولِ دَارِ الْبِلَی، وَ طُولِ الْمُقَامَةِ بَیْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَی، وَ اجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْیَا خَیْرَ مَنَازِلِنَا، وَ افْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِکَ فِی ضِیقِ مَلَاحِدِنَا، وَ لَا تَفْضَحْنَا فِی حَاضِرِی الْقِیَامَةِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا. (۱۵) وَ ارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِی مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَیْکَ ذُلَّ مَقَامِنَا، وَ ثَبِّتْ بِهِ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ یَوْمَ الْمَجَازِ عَلَیْهَا زَلَلَ أَقْدَامِنَا، وَ نَوِّرْ بِهِ قَبْلَ الْبَعْثِ سُدَفَ قُبُورِنَا، وَ نَجِّنَا بِهِ مِنْ کُلِّ کَرْبٍ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ شَدَائِدِ أَهْوَالِ یَوْمِ الطَّامَّةِ (۱۶) وَ بَیِّضْ وُجُوهَنَا یَوْمَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ الظَّلَمَةِ فِی یَوْمِ الْحَسْرَةِ وَ النَّدَامَةِ، وَ اجْعَلْ لَنَا فِی صُدُورِ الْمُؤْمِنِینَ وُدّاً، وَ لَا تَجْعَلِ الْحَیَاةَ عَلَیْنَا نَکَداً. (۱۷) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ کَمَا بَلَّغَ رِسَالَتَکَ، وَ صَدَعَ بِأَمْرِکَ، وَ نَصَحَ لِعِبَادِکَ.

الصحیفة السجادیة، ص: ۱۸۲

(۱۸) اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِیَّنَا- صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ- یَوْمَ الْقِیَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِیِّینَ مِنْکَ مَجْلِساً، وَ أَمْکَنَهُمْ مِنْکَ شَفَاعَةً، وَ أَجَلَّهُمْ عِنْدَکَ قَدْراً، وَ أَوْجَهَهُمْ عِنْدَکَ جَاهاً. (۱۹) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ شَرِّفْ بُنْیَانَهُ، وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَ ثَقِّلْ مِیزَانَهُ، وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ، وَ قَرِّبْ وَسِیلَتَهُ، وَ بَیِّضْ وَجْهَهُ، وَ أَتِمَّ نُورَهُ، وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ (۲۰) وَ أَحْیِنَا عَلَی سُنَّتِهِ، وَ تَوَفَّنَا عَلَی مِلَّتِهِ وَ خُذْ بِنَا مِنْهَاجَهُ، وَ اسْلُکْ بِنَا سَبِیلَهُ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ، وَ احْشُرْنَا فِی زُمْرَتِهِ، وَ أَوْرِدْنَا حَوْضَهُ، وَ اسْقِنَا بِکَأْسِهِ (۲۱) وَ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، صَلَاةً تُبَلِّغُهُ بِهَا

أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَ فَضْلِكَ وَ كَرَامَتِكَ، إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ، وَ فَضْلٍ كَرِيمٍ. (۲۲) اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَّغَ مِنْ رِسَالاتِكَ، وَ أَدَّى مِنْ آيَاتِكَ، وَ نَصَحَ لِعِبَادِكَ، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ، أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَداً مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ الْمُصْطَفَيْنَ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

الصحيفة السجادية / ترجمه آيتى

ص ۲۵۱

نیایش چهل و دوم [۱]

ای خداونـد، تو مرا یـاری دادی که کتـاب تو را از آغـاز تـا انجـام تلاوت کنم، کتابی که آن را هماننـد نوری نازل کرده‌ای و بر هر کتاب که زین پیش نازل کرده‌ای گواهش ساخته‌ای و بر هر سخن که گفته‌ای برتریش نهاده‌ای.

فرقانی است که بدو حلالت را و حرامت را از هم جدا کرده‌ای.

قرآنی است که بـدو شـرایع و احکـام خویش آشـکار سـاخته‌ای. کتابی است که در او برای بنـدگان هر چیز را واضـح و روشن بیان کرده‌ای.

وحیی است که بر پیامبرت محمد- صلواتک علیه و آله- نازل کرده‌ای.

بار خـدایا، قرآن را نوری قرار داده‌ای که در پرتو آن از تاریکیهای گمراهی و نادانی برهیم، و شـفایی برای هر که از سـر تصدیق بر آن گوش نهد، و ترازوی عدلی که زبانه‌اش از حق منحرف نشود، و چراغ هدایتی که فروغ برهانش را خاموشی نیست،

[۱] دعای آن حضرت است پس از ختم قرآن.

الصحيفة السجادية / ترجمه آيتى، ص: ۲۵۲

پی‌اش نهاد و آیین او پیشه ساخت گمراه نگردد و آن که چنگ در دست- آویز عصمتش زد دست هلاکت بدو نرسد.

ای خداونـد، همچنان که ما را به تلاوت قرآن یاری دادی و به عبارات نیکویش خشونت از زبان ما بر گرفتی، اینک ما را از کسانی قرار ده که در نگهداشت و حراست او آن سان که در خور اوست سـعی می‌ورزند و با اعتقاد به تسلیم در برابر آیات محکماتش، تو را عبادت می‌کنند و در برابر متشابهات و دلایل واضحاتش از سر تسلیم اقرار می‌نمایند.

بار خدایا، تو این قرآن را بی‌هیچ شرح و تفسیری، بر پیامبرت محمد صلی اللّه علیه و آله فرستادی و علم به شگفتیهایش را سراسر به او الهـام فرمودی، و علم تفسیر آن را به ما به میراث دادی و ما را بر آن کس که از علم قرآنش بهره‌ای نبود برتری نهادی و ما را به شناخت قرآن توانایی بخشیدی، تا بر کسانی که یارای حمل آن ندارند شرف و برتری دهی.

بار خدایا، همچنان که دلهای ما را حاملان قرآن ساختی و به رحمت خود شـرف و فضـیلت آن به ما شـناساندی، بر محمد (ص) که خطیب قرآن است و خانـدان او که خازنـان علم قرآننـد، درود بفرست و ما را در زمره کسانی قرار ده که از سر صـدق معترفنـد که قرآن از نزد تو نازل شده، تا هیچ شک و تردید، با یقین ما معارضه نکند و چون قدم به راه راست قرآن نهادیم هیچ چیز ما را در راه نلغزاند.

بـار خـدایا، بر محمـد و خانـدان او درود بفرسـت و مـا را در زمره کسـانی قرار ده که در ریسـمان قرآن چنـگ می‌زننـد و چـون در شنـاخت حق از باطـل وامانند به دژ اسـتوار او پنـاه می‌جوینـد و در سـایه گسترده بالهـایش می‌آرامنـد و در پرتو صـبح تابناکش راه خویش می‌یابنـد و آن مشـعل فروزان را فرا راه خود می‌دارنـد و چراغ معرفت خویش از چراغ او می‌افروزند و جز او از کس هدایت نمی‌آموزند.

الصحیفهٔ السجادیهٔ / ترجمه آیتی، ص: ۲۵۳

ای خداوند، همچنان که محمد را قرآن دادی و او را چون علمی بر افراشتی تا راهنمای خلق به سوی تو باشد و به راهنمایی آل محمد راههای خشنودی خویش آشکار ساختی، پس بر محمد و خاندان او درود بفرست و قرآن را برای ما وسیله‌ای ساز که بدان بر شریف‌ترین منازل کرامت فرارویم، و نردبانی که بدان به جایگاه امن و سلامت عروج کنیم، و سببی که بدان رهایی در عرصه رستاخیز را پاداش یابیم و دست افزاری که بدان از نعیم دار المقام بهشت تمتع جوییم.

بار خدایا، بر محمد و خاندان او درود بفرست و به یمن قرآن بار سنگینی گناهان از دوش ما بردار و صفات و خصال نیکانمان ارزانی دار و به راه آنان بر که در همه حال، شب هنگام و بامداد و شامگاه، برای رضای تو قرآن می‌خوانند و به کارش می‌بندند، تا به آب رحمتش ما را از هر آلودگی پاکیزه سازی و راه کسانی فرا پیشمان گذاری که از نور قرآن روشنایی جسته‌اند و آرزوها و خواهشهای نفسانی از کارشان باز نداشت تا به خدعه و فریب تباهشان سازد.

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و قرآن را در تاریکی شب مونس ما گردان و در برابر کششها و گرایشهای شیطان و خاطرات وسوسه انگیز، نگهبان ما قرار ده. و چنان کن که قرآن پایهای ما را از سپردن راه معاصی باز دارد و زبان را از گفتن سخن باطل- بی‌هیچ آفتی که زبان را رسیده باشد- لال گرداند، و اعضا و جوارح ما را از ارتکاب گناهان مانع آید و طومار عبرتها را که به دست غفلت پیچیده شده پیش روی ما بگشاید، تا عجایب قرآن و مثلها و قصه‌های هشدار دهنده آن- که کوههای سخت از تحمل آن ناتوانند- به دلهای ما راه یابد.

بار خدایا، بر محمد و خاندان او درود بفرست و به قرآن آراستگی ظاهر ما را دوام بخش و تطاول خاطره‌های وسوسه‌انگیز از صفای ضمایر ما دور بدار و آلودگی از دلهای ما بزدای و پیوند دل ما از گناهان

الصحیفهٔ السجادیهٔ / ترجمه آیتی، ص: ۲۵۴

بگسل و پریشانیهای ما به سامان آور و چون در گرمای طاقت سوز قیامت بازخواست را به پیشگاه تو می‌ایستیم، تشنگی ما تسکین ده و در روز رستاخیز- روز وحشت بزرگ- بر پیکر ما جامه ایمنی بپوش.

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و به یمن قرآن، بینوایی ما را به بی‌نیازی جبران نمای و زندگی خوش و فراوانی نعمت و وسعت رزق به ما عطا کن و ما را از صفات ناپسند و خصال نکوهیده دور دار و از فرو غلتیدن به گودال کفر و آنچه موجب نفاق است در امان دار، تا در قیامت رهنمای ما به سوی خشنودی و بهشت تو باشد و ما را در دنیا از سخط تو و تجاوز از حدود تو حفظ کند و احکام حلال و حرام تو را گواه باشد.

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و چون مرگ فرا رسد، به مدد قرآن بر ما آسان کن اندوه جان کندن را و رنج نالیدن را و به تنگنا افتادن نفسها را به هنگامی که جان به گلوگاه می‌رسد و در آن حال یکی گوید: آیا افسون کننده‌ای نیست؟ [۲] در این حال فرشته مرگ برای گرفتن جان، از درون پرده‌های غیب آشکار شود و از کمان مرگ تیرهای وحشت فراق به سوی او بگشاید و برایش جامی از زهر قتّال مرگ بیامیزد و زمان رحیل و رخت بر بستن به سرای آخرت نزدیک شود و اعمال چونان قلاده‌هایی [۳] بر گردنها افتد و از آن پس تا روز رستاخیز گورها مأوای ما شود.

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و ورود ما را به آن سرای کهنه و درنگ دراز ما را میان طبقات خاک سرد بر ما مبارک گردان.

پس از بیرون شدن ما از دنیا، گورهای ما را بهترین منازل ما گردان و به

---

[۲] سوره ۷۵- آیه ۲۶ و ۲۷

[۳] سوره ۱۷- آیه ۱۳

الصحیفهٔ السجادیهٔ / ترجمه آیتی، ص: ۲۵۵

فضل و رحمت خویش گورهای تنگ ما فراخ ساز و ما را در میان انبوه مردم که در عرصات گرد می‌آیند، به کیفر گناهان تباه کننده‌مان رسوا مساز.

ای خداوند، در آن هنگام که در پیشگاه تو به صف ایستاده‌ایم، به برکت قرآن برخواری و بیچارگی ما رحمت آور و به هنگام گذشتن از پل لرزان جهنم ما را به قرآن ثبات بخش که پاهایمان نلغزد. ای خداوند، زان پیش که از گورمان بر انگیزی، ظلمت گورهای ما به قرآن روشنی بخش و از اندوه روز حساب و لحظات هول انگیز قیامت رهایی ده.

ای خداوند، در آن روز حسرت و ندامت که ستمکاران سیاه رویند، ما را سپید روی گردان و دوستی ما در دلهای مؤمنان انداز و زندگی ما بر ما دشوار مگردان.

بار خدایا، درود بفرست بر محمد بنده خود و پیامبر خود، به پاس آنکه پیام تو به مردم رسانید و فرمان تو به آواز بلند در گوش خلق کشید و بندگانت را اندرزهای نیکو داد.

ای خداوند، چنان کن که نشستنگه پیامبر ما، صلوات اللّه علیه و علی آله، در روز حشر از همه پیامبران نزدیک‌تر به تو باشد و شفاعتش از همه پذیرفته‌تر و منزلتش در نزد تو از همه فراتر و جاه و حشمتش از همه افزون‌تر باشد.

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و بنای دین او از همه دینها افراشته‌تر دار و برهان او عظیم‌تر گردان و ترازوی حسنات او سنگین‌تر نمای و شفاعتش بپذیر و مقرّب خود گردان و روسپیدش فرمای و نورش به کمال رسان و درجتش فرا بر و ما را بر سنّت او زنده بدار و بر دین او بمیران و در راه او سیر ده و بر طریقه او روانه دار و فرمانبردار او گردان و به گروه او در آور و بر سر حوض او بر و از جام او سیراب نمای.

الصحیفهٔ السجادیهٔ / ترجمه آیتی، ص: ۲۵۶

درود بفرست ای خدای من بر محمد و خاندان او، درودی که به برکت آن او را به برترین مایه از خیر و فضل و کرامت که امید می‌دارد برسانی، که عرصه رحمت تو بس پهناور است و تویی آن خدای بخشنده کریم.

بار خدایا، محمد را به پاداش رسانیدن پیامهای تو و عرضه آیات تو و اندرز دادنش به بندگان تو و جهاد در راه تو، جزای خیر ده، جزایی برتر از هر جزایی که ملائکه مقرب و پیامبران مرسل و برگزیده خود را داده‌ای. و السلام علیه و علی آله الطیبین الطاهرین و رحمهٔ الله و برکاته.

(و زواجر امثاله الخ)

اشاره بآیه شریفه است که میفرماید لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْیَةِ اللَّهِ وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ حشر آیه ۲۱ و آیه شریفه إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ عَلَی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَیْنَ أَنْ یَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ کانَ ظَلُوماً جَهُولًا احزاب آیه ۷۲ (و زواجر) سختیها و شدائد و عقوبات و بلیات است (امثاله) جمع مثل است و امثال قرآن قضایای امم سابقه که در اثر تکذیب انبیاء و عدم ایمان بعقوبات الهی هلاک شدند

(التی ضعفت الجبال الرواسی علی صلابتها)

کوهها با این صلابت که دارند و استحکام آنها طاقت نیاوردند که موارد این تکالیف واقع شوند و در اثر مخالفت طاقت این عقوبات را ندارند چگونه انسان جاهل تحمل میکند با اینکه بسیار ضعیف است وَ خُلِقَ الْإِنْسانُ ضَعِیفاً نساء آیه ۳۳ طاقت یک پشه و

یک مورچه و یک گرسنگی و یک تشنگی و یک تب ندارد چگونه خود را در معرض عذاب شدید الهی در می آورد وَ إِنَّ رَبَّکَ لَشَدِیدُ الْعِقابِ رعد آیه ۷ إِنَّ عَذابِی لَشَدِیدٌ ابراهیم آیه ۷ إِنَّ بَطْشَ رَبِّکَ لَشَدِیدٌ بروج آیه ۱۲ (عن احتماله) که قرآن مجید ما را باز دارد و از تحمل این عقوبات دنیوی و اخروی

(اللهم صل علی محمد و آله و ادم بالقرآن صلاح ظاهرنا و احجب به خطرات الوساوس عن صحهٔ ضمائرنا)

بعد از صلوات می گویی پروردگارا ادامه بده بقرآن صلاح ظاهر ما را موفق شویم باعمال صالحه حجاب و مستور و دور فرما هر آن خطورات و وسوسه‌ای که مورث فساد قلب میشود از صحهٔ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۱۵

و اغسل به درن قلوبنا و علائق اوزارنا بواطن ما ادامه صلاح ظاهر باینست که لیلا و نهارا صباحا و مساء موفق باشیم از برکات قرآن باعمال صالحه که تمام اعضاء و جوارح ما مشغول عبادات و وظائف شرعیه باشد چشم و گوش و زبان و دست و پا هر کدام دستورات خود و البته کسی که موفق باشد بتلاوت قرآن و عمل بر طبق آن و تفکر در معانی آن چنین توفیقی نصیب او میشود پس از ذکر صلوات و حجاب پرده است که روی چیزی کشیده میشود مثل زنها که باید تمام بدن خود را از نامحرم بپوشانند نه مثل امروزه که مکشوفات در جامعه بتمام زینت سیر میکنند و خطرات وساوس چه وساوس شیطانی و چه وساوس فساق و فجار و رؤساء و رفقاء و اهل ضلالت خطرات زیادی دارد سلب ایمان میکند و انسان را وادار بفسق و فجور و ظلم و تعدی و تجاوز و طغیان و هزار مفسده دیگر میکند و ضمائر بواطن انسان است که تعبیر بروح و قلب انسانیست که در ابتداء امر پاك و پاکیزه و صحیح است و خطرات وساوس عقل را زائل میکند قلب را فاسد مینماید روح را کثیف میکند مگر بتوسط قرآن جلوگیری کند از این وساوس که در قلب تصرفی نکند و قلب محجوب باشد از آنها و توجهی نداشته باشد بآنها. و بشوران بقرآن چرکیها و کثافات قلوب ما را و علائق و دلبستگی بمعاصی و وزر و وبال اعمال ما را اشاره بآیه شریفه است که میفرماید إِنَّ الْحَسَناتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّئاتِ هود آیه ۱۱۶ و چه حسنه‌ایست بالاتر از قرآن و خداوند تطهیر مینماید و آیه شریفه یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ یَجْعَلْ لَکُمْ فُرْقاناً وَ یُکَفِّرْ عَنْکُمْ سَیِّئاتِکُمْ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ انفال آیه ۲۹ غسل شستن و تطهیر است و طهارت اقسامی دارد، طهارت خبیثه که اشیاء خارجیه را که متنجس شده بنجاسات تطهیر میکنند و مطهرات بسیار است در فقه کتاب طهارت متعرضند طهارت حدثیه، حدث اصغر بوضوء و تیمم بدل از وضوء و غسل جنابت رفع میشود و حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و بعض اقسام استحاضه و مس میت و میت که بغسل یا تیمم بدل از غسل رفع میشود و طهارت از معاصی که أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۱۶

و اجمع به منتشر امورنا و ارو به فی موقف العرض علیك ظما هو اجرنا

بتوبه و اعمال حسنه و به بلیات و امراض و استغفار ملائکه و انبیاء و ائمه اطهار و مؤمنین و سایر وسائل رفع میشود و طهارت روح انسانی از اخلاق رذیله و صفات خبیثه که بتذکیه نفس و تخلق باخلاق حسنه و صفات حمیده رفع میشود و طهارت قلب از عقائد فاسده و مذاهب باطله و وساوس شیطانیه و خیالات سوء که بایمان و تقوی و اعمال صالحه رفع میشود و این جمله راجع بطهارت قلب است و درن چرکیهای قلب میباشد بمعاصی و کفریات و علائق دلبستگیها.

و چون معاصی و کفریات در نظر بسیاری لذت دارد نوعا علاقه پیدا میکند و بریدن این علائق بعلم و معرفت و نظر بعواقب آن میشود و قرآن مجید مشتمل بر جمیع اینها است و تمام اقسام را بیان فرموده:

انتشار پراکنده کیست و امور کارهای لازمه و مهمه و مباحه مثل کسب و تجارت و معاشرت و سایر امور و امروز نوع مردم سر بگریبان و پریشان و امورات آنها درهم و برهم خورده راه بجایی ندارند جز توجه بخدا و توسل برسول اللّه و بائمه اطهار و تمسک بقرآن که خداوند کارهای آنها را اصلاح فرماید

(و أرو به فی موقف العرض علیک ظمأ هو اجرنا)

و سیراب کن ما را بواسطه این قرآن مجیدت در موقف قیامت که تمام خلق عرضه میشوند بر تو تشنگی‌ها ما را صحرای محشر که خورشید یک نی بالای سر اهل محشر است و نور او گرفته شده و حرارتش بر صحنه محشر تابیده و زمین مثل کوره حدادی آتش‌فشان است و آتش جهنم حلقه میزند دور اهل محشر و ملائکه غضب الهی دور آنها را حلقه میزنند طبقه طبقه که میفرماید فَإِذا بَرِقَ الْبَصَرُ وَ خَسَفَ الْقَمَرُ وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ يَقُولُ الْإِنْسانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ مدثر آیه ۷ الی ۱۰- عطش باهل محشر شدت میکند و هر چه طلب آب میکنند از حمیم جهنم بآنها میدهند که میفرماید إِنَّا أَعْتَدْنا لِلظَّالِمِينَ ناراً أَحاطَ بِهِمْ سُرادِقُها وَ إِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغاثُوا بِماءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرابُ وَ ساءَتْ مُرْتَفَقاً کهف آیه ۲۸- لکن انبیاء و اوصیاء و صلحاء در طرف راست محشر بزیر سایه عرش کنار نهر کوثر پای أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۱۷

و اکسنا به حلل الامان یوم الفزع الاکبر فی نشورنا اللهم صل علی محمد و آله و اجبر بالقرآن خلتنا من عدم الاملاق و سق الینا به رغد العیش و خصب سعهٔ الارزاق

منبر وسیله رسول اللَّه تحت لوای حمد امیر المؤمنین و نسیم بهشت سیراب هستند عرض میکنی پروردگارا ما را ببرکت قرآن مجید سیراب فرما در آن موقف تشنگی ما را و ما را جزو این طایفه قرار ده بلکه از آب رحمهٔ خود ما را سیراب فرما که ما را مشمول جمیع رحمات خود قرار دهی.

و بپوشان ما را ببرکت قرآن حله‌های امان را روزی که فزع اکبر است در موقعی که ما از قبر بیرون می‌آییم و منتشر میشویم کسانی که وارد محشر میشوند سه صنف هستند یک صنف عریان و برهنه با غل و زنجیر و صورت سیاه اهل عذاب و یک صنف با کفن‌های خود مؤمنین و اهل نجات و یک صنف با حله‌های بهشتی مقربین و صلحا و مؤمنین و حله‌های امان بشاراتی که بآنها میدهند که در مهد امان هستید و هیچگونه ابتلایی ندارید مثل قوله تعالی إِنَّ الَّذِينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلائِكَةُ أَلَّا تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ فصلت آیه ۳۰- و غیر این از آیات بسیار

(اللهم صل علی محمد و آله و اجبر بالقرآن خلتنا من عدم الاملاق)

بعد الصلوات می گویی برطرف فرما و زائل نما تنگ دستی ما را از نداری و فقر و بیچارگی ببرکت قرآن مجید، اجبار از ماده جبیره است که بر روی زخم گذارده میشود برای رفع زخم و مرض، و یکی از امراض بزرگ فقر است که گفتند

(الفقر سواد الوجه فی الدارین)

فقر بلای بزرگیست و بسیاری از فقراء مشاهده میشود که کار آنها بکفر و عدم رضایت از خدا و العیاذ باللّه نسبت ظلم بخدا میدهند و در مقام علم باحکام و عمل بواجبات شرعیه نیستند و دربند حلال و حرام نیستند، می گویی پروردگارا این بلای فقر و پریشانی و بیچارگی را از ما برطرف فرما ببرکت قرآن مجید که باعث ایمان و تقوای ما باشد که می‌فرمایی وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ اعراف آیه ۹۴ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۱۸

و جنبنا به الضرائب المذمومهٔ و مدانی الاخلاق و اعصمنا به من هوهٔ الکفر و دواعی النفاق حتی یکون لنا فی القیامهٔ الی رضوانک و جنانک قائدا و لنا فی الدنیا عن سخطک و تعدی حدودک ذائدا

و سوق بده و بفرست بسوی ما ببرکت قرآن گشایش زندگانی را و فراوانی و توسعه روزی را (تنبیه) غنی و فقر هر دو امتحان بندگانست اگر در اثر فقر یا غنی دست از وظائف خود برنداشتند هر دو نعمت بزرگیست در غنی شکرگزار و در فقر صبر و

شکیبایی دارد، در خبر است که خداوند متعال در قیامت از فقراء مؤمنین عذرخواهی میکند که من در دنیا بشما ندادم برای این بود که دنیا قابل شما نبود و امروز بازاء آن نظر کنید چه نعمتهایی بشما عنایت میکنم، در روایت دارد که فقراء آرزو میکنند ای کاش در دنیا کسی بما یک لقمه نان نداده بود تا عوض آن را در اینجا بما بدهند و هم چنین غنی که چه اندازه عبادات مالی داریم که اغنیاء موفق میشوند از زکوات و اخماس و صدقات و زیارات و حج و اعلاء کلمه اسلام و صرف فی سبیل اللّه که فقراء محروم هستند حتی خدمت حضرت رسالت عرضه داشتند که ما از این عبادت محروم هستیم حضرت ادعیه تعلیم آنها فرمود که ثواب این عبادت را داشته باشند، اغنیاء فرا گرفتند بآن ادعیه عمل کردند فقراء باز شکایت کردند حضرت فرمود

(ذلک فضل من اللّه)

و اما اگر موجب هلاکت و کفر شود که میفرماید کَلَّا إِنَّ الْإِنْسانَ لَيَطْغى أَنْ رَآهُ اسْتَغْنى علق آیه ۶ و ۷- بدترین بلاها است.
و دور فرما از ما بوسیله قرآن روش و خوهای نکوهیده و پستیهای صفات خبیثه- ضرائب جمع ضریب بمعنی رفتار و کردار انسان اگر نیکو باشد ممدوح است و اگر پست و رذل باشد کردار و رفتار بد است و منفور است عند اللّه و عند الناس و عمل بقرآن انسان را از این نوع افعال باز میدارد- و مدانی از ماده دنی یعنی پست و رذل است و اخلاق بصفات نفس است اگر متصف باشد و صفات حمیده و اخلاق پسندیده کمالات نفسیه است و اگر متصف باشد بصفات رذیله و اخلاق خبیثه عیوب نفسانیه است می گویی پروردگار دور فرما از ما این صفات و رذائل و عیوب نفسانیه أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۱۹
و لما عندک بتحلیل حلاله و تحریم حرامه شاهدا
را ببرکت قرآن
و اعصمنا به من اسوۀ الکفر و دواعی النفاق حتی یکون لنا فی القیامۀ الی رضوانک و جناتک قائد
او نگاهدار ما را ببرکت قرآن از هفوات کفر و داعیه های نفاق تا بوده باشد قرآن از برای ما در قیامت بسوی رضای تو و بهشت قائد و راننده- هوه از هوی است بمعنی افتادن و پرتاب شدن در کفر که اسباب کفر ما را از ایمان اخراج نکند و در چاه ضلالت و کفر نیندازد و اسباب نفاق ما را از دین خود بیرون نکند تا اینکه قرآن و عمل بآن ما را بکشد بچیزهایی که موجب رضا و خشنودی تو و وسیله سعادت و رستگاری و نیل به بهشت تو باشد

(و لنا فی الدنیا عن سخطک و تعدی حدودک ذائدا)

و این قرآن از برای ما در دنیا از چیزهایی که موجب سخط و غضب تو میشود و از تعدی و تجاوز از حدودی که معین فرموده‌ای جلوگیر باشد اموری که موجب سخط و غضب الهی میشود اقسامی دارد- یک قسم راجع بقلب است از شرک و کفر و ضلالت و بدعت در دین و انکار ضروریات دین و مذهب و یک قسم راجع به نفس است از ملکات نفسانیه خبیثه مثل کبر و عجب و عناد با اهل حق و عداوت و ظلم بآنها و غیر اینها از رذائل اخلاقیه و یک قسم راجع بمعاصی کبیره است که حدود هفتاد معصیۀ کبیره داریم و ما در جلد سیم کلم الطیب در کتاب عمل الصالح تذکر داده‌ایم و چیزهایی که موجب تعدی از حدود الهی میشود آنست که خداوند نسبت بجمیع امور از عقائد و اخلاق و افعال انسانی حدی معین فرمود زیاده‌روی در آن یا کوتاهی در آن تعدی از حد است و سبیل شیطانیست و بیرون رفتن از صراط مستقیم الهیست که میفرماید وَ أَنَّ هذا صِراطِي مُسْتَقِيماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا- السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ انعام آیه ۱۵۴- و این صراط نمونه صراط قیامت است که بر روی جهنم کشیده شده اگر در دنیا تعدی نمود در آخرت هم لغزش پیدا میکند و از برای ما در پیشگاه تو به اینکه حلال بدانیم آنچه را قرآن حلال فرموده و حرام بدانیم آنچه را که حرام فرموده شاهد باشیم وای بحال امروزه که چه اندازه از حلالهای قرآن را حرام دانستند و چه

اندازه از أطيب البيان فى تفسير القرآن، ج۱۴، ص: ۳۲۰
اللهم صل علی محمـد و آله و هون بالقرآن عند الموت علی انفسنا كرب السياق و جهد الاتين و ترادف الحشارج اذا بلغت النفوس التراقی و قيل من راق
حرامهـای آن را حلال شـمردند نظر كنيـد در قوانين امروزه در بـاب ميراث و ازدواج و طلاق و تجارات و معاملات و لحوم و مشروبات و حدود و ديات و ساير آنچه در قرآن معين فرموده و با قرآن تطابق كنيد چقدر مخالفت دارد چه در حلالهای او و چه در حرامهای او بكلی نقطه مقابلست و بعـد صلوات می‌گويی پروردگارا آسان فرما بقرآن مجيدت نزد مرگ ما سختی جاندادن را كه براحتی قبض روح مـا بشود، در اخبـار داريم موقعی كه اجـل مؤمنين ميرسـد و حال احتضار پيـدا ميشود ملائكه رحمت ميآينـد و باو بشـارت ميدهنـد و جـای او را در بهشت باو نشان ميدهنـد و وجود پيغمبر اكرم و ائمه اطهار تشـريف ميآورنـد و باو خبر ميدهنـد كه می‌آيی نزد مـا و بـا ما محشور ميشوی و ملك الموت از او اجازه ميگيرد و مثل گلی كه بـدست او دهنـد قبض روح او ميشود همين نحوی كه لـذت ميبرد اما كفار و معانـدين ملائكه غضب ميآينـد و جای او را در جهنم نشان ميدهند و پيغمبر و ائمه دسـتور بسـختی جـان دادن او ميدهنـد مثل اينكه ميل آسـيا را در تخم چشم بگرداننـد و اعضاء او را از هم جـدا كننـد و روح او را با شـياطين و اهل عذاب در برهوت معذب ميكنند
اللهم اجعلنا من الاولين و لا تجعلنا من الاخرين
و آسان فرما بقرآن سـختی و شدت ناله‌های زمان جان دادن و زيادتی و دنبال يكديگر نفس كشيدن زمانی كه برسد روح تا بگلو و گفته ميشود كيست كه جلوگيری كند از مرگ و شـفا بخشد، يكی از تفضـلات الهی اينست كه در مورد قبض روح از سـر انگشتان پا شـروع ميشود و ميآيد ببالا تا بگلو و دهان برسد و از كليه بدن خارج شود تا بتواند در حال جا ندادن متوجه شود و بسا بذكر لا اله الا اللّه يا صلوة يا دعا طلب مغفرت يا ساير اذكار و ادعيه موفق شود كه گفتند آخرين كلام صديقه طاهره
لا اله الا اللّه
بود و آخرين كلام پيغمبر (ص)
رب امتی
و آخرين كلام امير- المؤمنين
فزت برب الكعبه
و آخرين كلام حضرت مجتبی
بالرفيق الاعلی
و آخرين كلام ابی عبد اللّه الحسين (ع)
الهی رضا بقضائك صبرا علی بلائك لا معبود سواك يا غياث المستغيثين
أطيب البيان فى تفسير القرآن، ج۱۴، ص: ۳۲۱
و تجلی ملك الموت لقبضها من حجب الغيوب و رماها عن قوس المنايا باسهم وحشة الفراق
و بعضی گفتند
اسقونی قبل طلوع روحی
و بعضی گفتند آخرين كلام پيغمبر
مالی و ليزيد ابن معويه
بـوده و آنچه بنظر ميآيـد چون ابی عبـد اللّه روی سـينه پيغمـبر بود حضـرت چشم بـاز كرد بلب و دنـدان حسـين بنظر آورد از چوب

خیزران یزید.

باری در اینحال نفس بشماره میافتد و روح گلوگیر میشود و محتضر بناله میافتد مگر ببرکات قرآن، خداوند آسان فرماید و مکرر گفته شده که انسان چهار روح دارد روح نباتی از کار میافتد، روح حیوانی که بخاریست تمام میشود، روح انسانی که قبض میشود و تعلق بقالب مثالی میگیرد، و روح ایمانی که در کنف الهی محفوظ میماند

(و قیل من راق)

پرستاران اطراف محتضر تصور میکنند که حالت غش رخ داده در طلب طبیب و دارو و آمپول برمیآیند و خبر ندارند از آیه شریفه که میفرماید فَإِذا جاءَ أَجَلُهُمْ لا یَسْتَأْخِرُونَ ساعَةً وَ لا یَسْتَقْدِمُونَ اعراف آیه ۳۲- یا در مقام دعاء و طلب شفا برمیآیند یا خود محتضر طلب تأخیر اجل میکند که در قرآن میفرماید وَ أَنْفِقُوا مِنْ ما رَزَقْناکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ یَأْتِیَ أَحَدَکُمُ الْمَوْتُ فَیَقُولَ رَبِّ لَوْ لا أَخَّرْتَنِی إِلی أَجَلٍ قَرِیبٍ فَأَصَّدَّقَ وَ أَکُنْ مِنَ الصَّالِحِینَ وَ لَنْ یُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْساً إِذا جاءَ أَجَلُها وَ اللَّهُ خَبِیرٌ بِما تَعْمَلُونَ منافقون آیه ۱۱ و ۱۱ بلکه شماره نفسها تمام شده و روزی‌ها خاتمه پیدا کرده و کارخانه تعطیل شده و ظاهر میشود ملک الموت حضرت عزرائیل با اعوان آن از ملائکه موکل قبض روح از پس پرده‌های حجاب که از نظرها غائب بودند و تیر اجل را از کمان مرگ میاندازند و محتضر وحشت پیدا میکند و مشاهده میکند که، الآن از ریاست و مال و جاه و خانه و زندگی و اهل و عیال و زن و فرزند و احباء و اصدقاء جدا میشود و فراق واصل میگردد ملائکه بصورت اصلی خود مشهود انسان نیستند چنانچه ملکین رقیب و عتید و ملائکه نگهبان انسان و ملائکه که الهامات در قلب میکنند مشاهده نمیشود بلکه در مجالس مؤمنین و مراکز دعاء حاضرند و بر دعاء مؤمنین آمین میگویند و برای آنها استغفار میکنند و در اماکن مشرفه اطراف ضریح أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۲۲

و داف لها من ذعاف الموت کاسا مسمومة المذاق و دنا منا الی الاخرة رحیل و انطلاق

هستند و غیر اینها ولی دیده نمیشوند لکن میتوانند خود را متشکل نمایند باشکال مختلفه و در نظر بیایند و ملک الموت بصورتهای مختلف بر محتضر وارد میشود و محتضر او را می‌بیند بر مؤمنین بصورت باز و نیکو و خوش وارد میشود و بر غیر مؤمن بصورت مهیب منکر با حال غضب وارد میشود و تا قبل از احتضار در عقب حجابها مستور و غائب است لکن یکی از خصوصیات و حالات محتضر اینست که پرده‌ها از روی چشمش برطرف میشود و آن عالم را مشاهده میکند جای خود را در بهشت یا جهنم به بیند ملائکه رحمت و مبشر با ملائکه غضب و منذر را مشاهده میکند انوار مقدسه را نظر میکند از نیکویی

(و تجلی ملک الموت)

خود را جلوه میدهد لقبضها و میگوید آمده‌ام برای قبض روح تو

(و من نزعات الشیطان و خطرات الوساوس حارسا)

(دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند) اشاره بآیه شریفه است فَإِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجِیمِ إِنَّهُ لَیْسَ لَهُ سُلْطانٌ عَلَی الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَلی رَبِّهِمْ یَتَوَکَّلُونَ نحل آیه ۱۰۰ و ۱۰۱.

و از اینجهت مستحبّ است قبل القراءة استعاذه حتی در نماز پس از تکبیرة- الاحرام قبل از شروع در فاتحة الکتاب استعاذه کنند و نزعات شیطان وساوس او است که گفتند قلب دو راه دارد یکی رو بملائکه است الهامات الهی میکنند و یکی رو بشیاطین است وساوس شیطانی و اختیار هر دو درب بدست انسان است میخواهد درب ملائکه را باز میکند و درب شیاطین را می‌بندد و میخواهد عکس میکند لذا خداوند بشیطان میفرماید إِنَّ عِبادِی لَیْسَ لَکَ عَلَیْهِمْ سُلْطانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الْغاوِینَ فجر آیه ۴۲ و میفرماید إِنَّما

سُلْطانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَ الَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ نحل آیه ۱۰۲ (و خطرات الوساوس که انسان را در چاه ضلالت میاندازد و خسران دنیا و آخرت دارد خداوند تفضل فرماید که ببرکت قرآن از وساوس و خطرات محفوظ باشیم.

که معنای (حارسا) است (و لأقدامنا الخ) و قرآن مجید جلوگیری کند ما أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۱۳

و لجوار حنا عن اقتراف الانام زاجرا و لما طوت الغفلهٔ عنا من تصفح الاعتبار ناشرا

را از اینکه قدمی رو بمعاصـی نرویم اشاره بثبات قدم است که انسان رو بکفر و ضـلالت و معاصـی نرود، دین او ثابت و مستقر باشد که با دین حق از دنیا برود مستودع نباشـد که العیاذ باللّه هنگام رفتن از دست دهـد و بی‌دین از دنیا برود و اسـباب زوال دین بسیار است یکی آنکه می‌بینـد از مال و منال و جاه و مقام خود و ریاست و عنوان زائل میشود و آنچه داشـته از دست میدهـد العیاذ با حال غضب و بغض و عـداوت با خـدا جان میدهد چه بسـیار مشاهده کرده‌ایم که بسیاری از ضـعفاء ایمان باندك بلائی مثل امراضـی یا ذهاب مالی یا موت احدی از بستگانش مثل اولاد و غیر آنها با خدا عداوت پیدا میکنند چه رسد بموت خود و خداوند ببرکت قرآن و تلاوت آن و عمل بدسـتورات آن این آفات را از او برطرف میکنـد و ثبات قـدم پیـدا مینمایـد در حـدیث است که مؤمن تا اجازه ندهـد قبض روحش را نمیکننـد، بعضـی از مؤمنین بفوریت اجازه میدهنـد که از این کثافات دنیوی خلاص شوند و بعضـی بواسـطه علاقه بدنیا اجازه نمیدهند خطاب میرسد که جای او را در بهشت بآن ارائه دهند چون مشاهده میکنند اجازه میدهند بفوریت

(و سلما نعرج فیه الی محل السلامهٔ)

سلم نردبانست و عروج بالا رفتن است و از همین باب است معراج پیغمبر، آن قـدر بالا رفت که هیچ ملك مقربی و نبی مرسـلی بآن پایه نرسیده که تعبیری بالاتر از کلام الهی نیست میفرماید ثُمَّ دَنا فَتَدَلَّى فَكانَ قابَ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۰۹

و سببا نجزی به النجات فی عرصهٔ القیمهٔ و ذریعهٔ تقدم بها علی نعیم دار المقامه اللهم صل علی محمد و آله و احطط بالقرآن عنا ثقل الاوزار.

قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنى النجم آیه ۸ و ۹ نزدیکتر از قاب قوسـین چیست جز خـدا و رسول درك نمیکنند و محل السـلامه اینست که از کلیه بلاهای دنیوی و اخروی مصون و محفوظ باشد حتی حین موت و در قبر و عالم برزخ و صحرای قیامت و موقف حساب و پای میزان و عبور از صراط و وقوف در صحرای محشر و از عذاب الهی و سایر ناراحتی‌ها.

و سـلام یکی از اسامی الهیست که میفرمایـد هُوَ اللَّهُ الَّذِي لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ حشر آیه ۲۳ چون خـدای متعـال از کلیه عیوب و نواقص منزه و مبراست و جـامع جمیع کمالاـت از صـفات کمالیه و جمالیه است و یکی از تحیات بسـیار مهم سـلام است که صد حسـنه دارد، نود و نه حسنه برای سلام کننده است و یک حسنه برای جواب دهنده و واجب است جواب سـلام، آن تحیه اهل بهشت است که میفرماید وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيها سَلامٌ ابراهیم آیه ۲۸ و خزان بهشت میگویند سَلامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوها خالِدِينَ زمر آیه ۷۳ و غیر اینها از آیات.

(و سببا نجزی به النجاهٔ فی عرصهٔ القیمه)

اطلاـق جزاء بر مثوبـات مجرد قـابلیت است نه اینکه طلب و عوض اعمال صالحه باشـد زیرا اگر تمام اهل عالم مؤمن باشـند و اعمال صـالحه بجـا آورنـد خردلی بر خـدایی او افزوده نمیشود و مقـابلی بـانعم الهی نمیکنـد و حق شـکر آنهـا را اداء نکرده با اینکه توفیق شکر گزاری هم نعمت بزرگیست آنچه خداوند در دنیا و آخرت به بندگان عطا میفرماید فقط تفضل است.

ایمان و صـفات حمیده و اعمال صالحه و تقوای از معاصی قابلیت تفضل میآورد و یکی از اسباب مهم که قابلیت میآورد قرآن مجید است و یکی از شـفعاء قیامت است و چون بنده‌گان غیر از معصومین خالی از تقصـیر نیسـتند و اسـتحقاق عقوبت دارید لکن اسـباب

مغفرت الهی هم بسیار است چه در دنیا بترک کبائر و بتوبه و به بلیات أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۱۰

(و هب لنا حسن شمائل الأبرار)

دنیوی و بدعاء مؤمنین و بتوسل بائمه طاهرین و باعمال صالحه و چه در آخرت بشفاعت شفعاء و بحمل معاصی بر ظالمین بآنها و معاندین و سایر اسباب نجات عرض میکنی پروردگارا قرآن را سبب نجات از کلیه عقوبات من قرار ده.

(و ذریعهٔ تقدم بها علی نعیم دار المقامهٔ)

دار مقامهٔ بهشت است و نعیم نعمتهای او است و ذریعه وسیله است و مکرر گفته‌ایم که اهل ایمان بالاخره نجات پیدا میکنند و به بهشت نائل میشوند لکن بسا در صحرای محشر مدهٔ مدیدی باید توقف کنند می‌گویی خداوندا قرآن را وسیله و ذریعه قرار داده که ما پیش از سایرین وارد بهشت شویم و مقدم بر آنها باشیم.

(اللهم صل علی محمد و آله و احطط بالقرآن عنا ثقل الاوزار)

پس از صلوات بر محمد و آل می‌گویی حط برداشتن بار سنگین است از پشت و ثقل سنگینیست و وزر گناه است، می‌گویی پروردگارا گناهان ما را که بار ما را سنگین کرده ببرکت قرآن و تلاوت آن از پشت ما بینداز اشارهٔ بمغفرت الهیست و گذشت از آن معاصی خداوند تفضلا از نامه عمل محو میفرماید و بجای آن حسنات مینویسد و از نظر ملائکه کتبه و حفظه میبرد که احدی نیست شهادت دهد میفرماید إِلَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صالِحاً فَأُوْلئِکَ یُبَدِّلُ اللَّهُ سَیِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ الی قوله تعالی خالِدِینَ فِیها حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقاماً فرقان آیه ۷۱ الی ۷۶ فردای قیامهٔ بندگان بصور مختلفه وارد محشر میشوند ابرار که انبیاء و اولیاء و مؤمنین و صلحاء باشند با صورت نورانی و زیبا که حتی دارد اهل بهشت تمام (جرد مرد) پیر مردان و پیر زنان جوان میشوند سیاهها سفید میشوند عجزه سالم میشوند صورتها نورانی میشود که میفرماید یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحاً عَسی رَبُّکُمْ أَنْ یُکَفِّرَ عَنْکُمْ سَیِّئاتِکُمْ وَ یُدْخِلَکُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ یَوْمَ لا یُخْزِی اللَّهُ النَّبِیَّ وَ الَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ یَسْعی بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ بِأَیْمانِهِمْ یَقُولُونَ رَبَّنا أَتْمِمْ لَنا نُورَنا وَ اغْفِرْ لَنا إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ تحریم آیه ۸ و میفرماید وَ أَمَّا الَّذِینَ ابْیَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِی رَحْمَتِ اللَّهِ هُمْ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۱۱

و اقف بنا آثار الذین قاموا لک به آناء اللیل و اطراف النهار حتی تطهرنا من کل دنس بتطهیره و تقفو بنا آثار الذین استضاء بنوره و لم یلهم الامل عن العمل فیقطعهم بخدع غروره

فِیها خالِدُونَ آل عمران آیه ۱۰۳ و اما اشرار با صورهٔ سیاه برگشته بعقب سر غل بگردن دستها بزنجیر بسته که میفرماید فَأَمَّا الَّذِینَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ کَفَرْتُمْ بَعْدَ إِیمانِکُمْ فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما کُنْتُمْ تَکْفُرُونَ آل عمران آیه ۱۰۲ و میفرماید وَ یَوْمَ الْقِیامَهِ تَرَی الَّذِینَ کَذَبُوا عَلَی اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّهٌ أَ لَیْسَ فِی جَهَنَّمَ مَثْویً لِلْمُتَکَبِّرِینَ زمر آیه ۶۱.

(و اقف بنا الخ)

اشاره بآیه شریفه است که میفرماید قُمِ اللَّیْلَ إِلَّا قَلِیلًا نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِیلًا أَوْ زِدْ عَلَیْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیلًا مزمل آیه ۲ و ۳ و ۴ اشاره به اینکه تلاوت قرآن در شب و روز چه در نمازهای فرائض و نوافل و چه در خارج نماز باعث میشود که انسان از کثافت معاصی و اخلاق رذیله و وساوس شیطانیه پاک و پاکیزه میشود لکن طلب میکنی که خداوند این توفیق را عنایت فرماید که ما هم جزو چنین کسان باشیم و محشور شویم بآنها.

(و تقفو بنا آثار الذین استضاء بنوره)

و عنایت فرما بما آثار کسانی که بنور قرآن قلبهای آنها روشن شده روشنایی بنور قرآن عمل بر طبق آنست که هر چه انسان غور کند در قرآن و کوشش کند در معانی او معرفتش زیاد میشود و عقیده‌اش محکم میگردد و ایمانش قوی میشود و عملش بالا میزند و قلبش روشن میگردد و دین او مستقر میشود در صورتی که بر طبق دستورات او رفتار نماید و اثر تابع مؤثر است مثل شفاء که تابع دوا است و مؤثر قرآنست که اثرش نورانیت قلب است و راهنمای حق و حقیقت است.

(و لم یلههم الامل عن العمل فیقطعهم بخدع غروره)

و از کسانی قرار ده که آمال و آرزوهای دنیوی او را بازندارد از عمل بوظائف دینی پس صدا کند او را بخدعه‌ها و فریب خورد و در چاه ضلالت بیفتند قرآن جلوگیری کند مرا از این خدعه‌ها و فریب‌ها و آمال و آرزوها. أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۱۲

اللهم صل علی محمد و آله و اجعل القرآن لنا فی ظلم اللیالی مونسا و من نزعات الشیطان و خطرات الوساوس حارسا.

و لأقدامنا عن نقلها الی المعاصی حابسا و لالسنتنا عن الخوض فی الباطل من غیر آفة مخرسا

در قرآن در دلهای شب بتلاوت و قرائت و استفاده از فرمایشات او انس بگیریم چنانچه قبلا اشاره شد بآیات سوره تنزیل و چیز دیگر برابر قرآن اختیار نکنیم که در این صورة شب را تا سحر اشتغال بقرائت روزنامه‌ها و مقالات و بتماشاخانه‌ها و سینماها و بمجالس لهو و بعد بقمار و شراب و رقص، و خوبان از کسبه بحساب و دفتر و سایر امور مباحه طی میکنند.

(و لا لسنتنا عن الخوض فی الباطل من غیر ما آفة مخرسا)

که زبان ما بچیزی که موجب زوال ایمان با استحقاق عذاب شود با کلمه کفرآمیز از او صادر شود نگردد که دارد در حدیث اکثر اهل جهنم بواسطه زبان معذب میشوند بسا بیک کلمه کافر میشود یا مستحق عذاب مثل دروغ و غیبت و فحش و زخم زبان و غیر اینها خداوندا بحق محمد و آل محمد و قرآن مجید ما را از اینگونه خطرات حفظ فرما.

انسان لازم و واجب است از قضایای امم سابقه و پیشامد روزگار که هر روز بیک رنگیست و حوادث دهر عبرت بگیرد که اهل ایمان و صلحاء و اهل تقوی مورد چه تفضلاتی شدند و میشوند و اهل شرک و کفر و ضلالت و ظلم و معاصی بچه بلیاتی و عقوباتی گرفتار شدند و هلاك شدند و لکن غفلة انسان را باز میدارد.

از این عبرت گیری و تمام این قضایا را حمل بر طبیعت میکند و غفلة تمام أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۱۴

و زواجر امثاله التی ضعفت الجبال الرواسی علی صلابتها عن احتماله اللهم صل علی محمد و آله و ادم بالقرآن صلاح ظاهرنا و احجب به خطرات الوساوس عن صحة ضمائرنا

اطراف انسان را احاطه میکند که معنای طوت است و چیزی که این غفلت را از انسان دور میکند و زایل مینماید قرآن مجید است و نشر میدهد

(حتی توصل الینا فهم عجائبه)

پس از اینکه این موانع از قلوب و جوارح برطرف شد و تمام توجه بقرآن مجید شده پروردگارا ما را واصل فرما بفهم عجائب قرآن اموری که باعث تعجب میشود از امور غیبیه قرآن مجید.

(و اجعل القرآن وسیلهٔ لنا الی اشرف منازل الکرامه)

درجات ایمان و تقوی بسیار است هر چه ایمان قویتر و تقوی بیشتر باشـد احترامش نزد خـدا زیادتر میشود که میفرمایـد إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكُمْ حجرات آیه ۱۳ و دار الکرامـه بهشـت است کـه اهـل بهشت در پیش گـاه الهی و در نزد ملائکه و خزان بهشت و غلمـان و حور العین و نزد انبیاء و اولیاء محترم هسـتند و قرآن وسـیله رسانیـدن بنـدگان است با علی درجات بهشت و الشـرف منازل کرامت که منزل‌گـاه انبیـاء و اوصـیاء و مقربین است که می‌گـویی قرآن وسـیله شـود که من بـا آنهـا محشـور شـوم و در منـازل آنها جای‌گیر گردم.

(اللهم و کما نصبت به محمدا علما للدلالهٔ علیک و انهجت بآله سبل الرضا الیک فصل علی محمد و آله)

زمانی که پیغمبر اکرم مبعوث برسالت شـد سر تا سر دنیا را شـرک و بی‌دینی پر کرده بود علم توحید را او برافروخت و ببانگ بلند فرمود

(قولوا لا اله الا اللّٰه تفلحوا)

و قرآن مجیـد را آورد و طریـق خداشناسـی را نشـان داد و آنچه بایـد و شایسـته بـود بیـان فرمـود لکن پس از رحلتش منـافقین طرق ضلالت را بمردم و مسلمین تزریق کردند که فرمودند:

(ارتد الناس بعد رسول اللّٰه (ص) الا اربعه او خمسه)

و غضب الهی را بر خود اختیار کردند که میتوان گفت صد درجه از شـرک و کفر و لا مذهبی سـخت‌تر و بالاتر بود لکن ائمه هدی آل رسول اللّٰه تا اندازه‌ای که ممکن بود طرق رضای او را بمردم نشان دادند پس البته شایسته صلوات و درود بر او و آل او.

(و لا یلتمس الهدی فی غیره)

مثل ارباب مـذاهب باطله که از غیر قرآن طلب هـدایت میکننـد مانند یهود که از این توریهٔ رایج و کتب عهد قدیمشان طلب هدایت میکنند و نصاری از اناجیل اربعه و کتب عهد جدید خود طلب میکنند و جوانان امروزه از تقلید اروپا طلب میکنند و اهل ضـلالت از رؤساء خود مثل خلفاء ثلاث و جماعتی از باب و بهاء و شـیخیه از شـیخ احمد و غیر اینها و بسـیاری از شیطان (ترسم أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۰۸

و اجعل القرآن وسیله لنا الی اشرف منازل الکرامهٔ و سلما نعرج فیه الی محل السلامه

نرسی بکعبه‌ای اعرابی) بلکه یقین دارم که نمیرسی (این ره که تو میروی به ترکستان است) بلکه بجهنم است.

(الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا)

و اگر معاصـی و صـفات خبیثه صفحه قلب را سیاه نکرده باشد که در چشم بسته نشده باشد اگر این موانع برطرف شود ممکن است اینکه مصداق

(و یستصبح بمصباحه)

مصـباح چراغ اسـت و لالـه و لامـپ و چیزهـایی که روشـنایی میدهـد مأخوذ از مـاده صـبح است که عـالم را روشن و استصباح طلب

روشنائیست که از نور او استضائه کنند و این دارای شرائطی است یکی آنکه انسان کور نباشد زیرا کور استضائه نمیکند. دیگر آنکه خواب نباشد. سیم آنکه روی چشم بسته نباشد.

چهارم آنکه حاجبی بین او و چراغ مثل جدار و نحوه نباشد. پنجم چشمش باز باشد و استصباح از مصباح قرآن هم این شرائط را لازم دارد اگر چشم قلب کور باشد نمیتواند استضائه کند مثل کفر و نفاق و شرک و ضلالت که میفرماید صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لا یَرْجِعُونَ بقره آیه ۱۷ فَهُمْ لا یَعْقِلُونَ بقره آیه ۱۶۶ اگر روی چشم را هوی و هوس و حب جاه و منال دنیا بسته باشند باز نمیبینند که میفرماید وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ یس آیه ۸ و میفرماید فَإِنَّها لا تَعْمَی الْأَبْصارُ وَ لکِنْ تَعْمَی الْقُلُوبُ الَّتِی فِی الصُّدُورِ حج آیه ۴۵ و میفرماید وَ جَعَلَ عَلی بَصَرِهِ غِشاوَةً جاثیه آیه ۲۲ و اگر خواب غفلت او را گرفته باشد نمی‌بیند که فرمودند

(و یقتدی یتبلج اسفاره)

تبلج درخشندگیست و اسفار روشنایی قرآن درخشندگی است و روشنایی آن علم بحقایق آن است می‌گویی پروردگارا مرا قرار بده از کسانی که اقتداء کنم بدرخشندگی علوم قرآن در باب جماعت باید مأمومین اقتداء کنند بامام جماعت با او رکوع و سجود و قیام و قعود و ذکر و تشهد و سلام دهند نه جلو بیفتند و نه عقب در باب دین هم لازم است اقتداء کنند بقرآن و بائمه هدی هر چه أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۰۷

و یستصبح بمصباحه و لا یلتمس الهدی فی غیره اللهم فکما نصبت به محمدا علما للدلالهٔ علیک و انهجت بآله سبل الرضا الیک فصل علی محمد و آله

میگویند اطاعت کنند و هر چه میکنند عمل نمایند نه زیاده‌روی که بدعت در دین بگذارند و نه کوتاهی که یکی از امور دین را منکر شوند.

(و یهتدی بضوء صباحه)

دنیا مثل شب بر اهل دنیا تاریک است و جهل و نادانی و کثرهٔ معاصی قلب را تاریک میکند و همین نحوی که سفیده صبح طالع میشود ظلمت شب را میبرد که در قرآن میفرماید قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَیْکُمُ اللَّیْلَ سَرْمَداً إِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ مَنْ إِلهٌ غَیْرُ اللَّهِ یَأْتِیکُمْ بِضِیاءٍ أَ فَلا تَسْمَعُونَ قصص آیه ۷۱- همین نحو اگر دین مقدس اسلام نبود و قرآن مجید نازل نشده بود و بیانات ائمه هدی نبود مردم در ظلمت جهل بودند چنانچه در دوره جاهلیت پس از عیسی (ع) الی زمان حضرت خاتم و بعثت آن حضرت و نزول قرآن سرتاسر دنیا را جهل احاطه کرده بود یهود از یک طرف نصاری از یک طرف مشرکین از یک طرف طبیعی از یک طرف آتش-پرست آفتاب پرست ستاره پرست بت پرست و و و ... و اگر معدودی قلیل مثل اوصیاء ابراهیم و عیسی و مؤمنین بآنها در میان مردم بودند مقهور و مستور بودند اسلام و قرآن آمد که ظلمت جهل را از بین برد اما برای کسانی که زیر بار اسلام و تمسک بقرآن بودند و بدبختانه در این دوره زمان دارد روز بروز ظلمت جهل ازدیاد پیدا میکند و مردم از نور اسلام و ایمان و قرآن بهره‌برداری نمیکنند تا ظهور حضرت بقیهٔ اللَّه که بیاید و این تاریکیها را برطرف کند.

(و یسکن فی ظل جناحه)

تشبیه است بطیور که جوجه‌های خود را زیر بال خود نگاه میدارند که از خطرات دشمن و از آفت‌ها محفوظ باشند اشاره به اینکه أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۰۶

و یهتدی بضوء صباحه و یقتدی یتبلج اسفاره

قرآن مجید مرا زیر بال خود نگاه دارد که از خطرات دشمنان دین از شیاطین انسی و جنی و کفار و مشرکین و ارباب ضلالت و از آفات دینی محفوظ باشم و در ضلالت و گمراهی نیفتم و از خطورات و خیالات نفسانی و علاقه بزخارف دنیوی و از صفات خبیثه و اعمال سیئه مصون باشم.

(و یأوی من المتشابهات الی حرز معقله)

ایواء پناه بردن است و حرز پناه‌گاه است و عقال بستن است مثل عقال شتر که پای او را ببندند که بجای دیگر نرود و در قرآن از قول لوط میفرماید قالَ لَوْ أَنَّ لِی بِکُمْ قُوَّةً أَوْ آوِی إِلی رُکْنٍ شَدِیدٍ هود آیه ۸۲ و مفاد این جمله این است که در امور مشتبه که حق و باطل را نمیشناسند مرا از کسانی قرار ده که پناه ببرد در این گونه امور بقرآن مجید که پناه‌گاه است و از خطرات و شبهات و از شیاطین انس و جن و از بلیات دنیوی و اخروی حفظ میکند و مرا بخود ببندد که از قرآن جدا نشوم و باین و بآن طرف سرگردان نباشم و از شرور و آفات مصون و محفوظ باشم.

(اللهم صل علی محمد و آله و اجعلنا ممن یعتصم بحبله)

مرجع ضمیر بحبله قرآن است و اعتصام چنگ زدن است که محکم او را بگیرد و قرآن ریسمان محکم الهی است که هر که باو چنگ زند او را میکشد بسوی خدای متعال چنانچه ائمه اطهار هم ریسمان محکم الهی هستند که یکی از القاب امیر المؤمنین حبل اللَّه المتین است انسان دو دست دارد باید با یک دست قرآن را بگیرد و با یک دست ائمه هدی را و معنای گرفتن و اعتصام اینست که باید بر طبق دستورات قرآن و فرمایشات ائمه هدی عمل و رفتار کند و این دو ریسمان از هم جدا نمیشوند.

(و لا یختلجنا الزیغ عن قصار طریقه)

خلجان خیالات قلبیست و توهمات و زیغ لغزش و کجی راه است یعنی چنان لغزش از طریقی که قرآن نشان میدهد در قلوب ما خطور نکند زیرا طریقی بهتر و بالاتر از قرآن نیست چنانچه میفرماید إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ یَهْدِی لِلَّتِی هِیَ أَقْوَمُ وَ یُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِینَ الَّذِینَ یَعْمَلُونَ الصَّالِحاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْراً کَبِیراً اسراء آیه ۹ و ۱۰.

یکی از اسامی قرآن فرقان است

که میفرماید تَبارَکَ الَّذِی نَزَّلَ الْفُرْقانَ عَلی عَبْدِهِ لِیَکُونَ لِلْعالَمِینَ نَذِیراً فرقان آیه ۱- بمعنی فرق گذارنده بین حق و باطل بین ایمان و کفر بین توحید و شرک بین هدایت و ضلالت بین اطاعت و معصیت بین تقوی و طغیان بین سعادت و شقاوت بین جنت و نار بین عدل و ظلم و غیر اینها و من جمله بین حلال و حرام و حلال اقسامی دارد واجب و مستحبّ و مباح و مکروه و حرام مراتبی دارد درجه اعلای آن کفر و شرک و ضلالت و آنچه موجب قساوت قلب و سیاهی آن و خلود در عذاب میشود و پس از آن معاصی کبار که موجب استحقاق عذاب میشود مگر بتوبه یا شفاعت تدارک شود و پس از آن صغار معاصی که وعده عفو داده شده.

(و قرآنا اعربت به عن شرائع احکامک)

قرآنش گفتند چون عین کلماتش از مصدر جلال صادر شده و بنحو قرائت بر قلب مطهر حضرت رسالت توسط روح الامین نازل شده و اعراب بمعنی واضح و روشن بیان شده لذا عرب را گفتند که معرب ما فی الضمیر است مقابل عجم که بمعنی گنگ و لال است و شرایع احکام، احکام وضعیه و تکلیفیه از صحهٔ و بطلان واجب و حرام مستحبّ و مکروه.

(و کتابا فصلته لعبادک تفصیلا)

و یکی از اسامی قرآن کتاب است

که میفرماید الم ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ بقره آیه ۱ و مراد مجموع بین الدفتین از باء بسم اللّه تا سین و الناس که حضرت رسالت تلاوت میفرماید و کتاب وحی کتابت میکردند و ممکن است بگوئیم چون در لوح محفوظ ثبت شده کتابش گفتند که میفرماید بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِیدٌ فِی لَوْحٍ مَحْفُوظٍ بروج آیه ۲۱ و ۲۲ و میفرماید إِنَّهُ لَقُرْآنٌ کَرِیمٌ فِی کِتابٍ مَکْنُونٍ لا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ واقعه آیه ۷۶ الی ۷۸- و تفصیل قرآن شرح و بیان است از برای عباد جن و انس الی یوم القیمه که میفرماید وَ نَزَّلْنا أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۲۹۷

و وحیا انزلته علی نبیک محمد صلواتک علیه و آله تنزیلا و جعلته نورا نهتدی من ظلم الضلالهٔ و الجهالهٔ باتباعه و شفاء لمن انصت بفهم التصدیق الی استماعه

عَلَیْکَ الْکِتابَ تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْءٍ وَ هُدیً وَ رَحْمَهً وَ بُشْری لِلْمُسْلِمِینَ نحل آیه ۹۱- و میفرماید قَدْ فَصَّلْنَا الْآیاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ لِقَوْمٍ یَفْقَهُونَ لِقَوْمٍ یَذَّکَّرُونَ انعام آیه ۹۷ و ۹۸ و ۱۲۶.

و وحیا انزلته علی نبیک محمد صلواتک علیه و آله تنزیلا أوحی القاء بقلب است نظیر الهام ملکی که بائمه الهام میشد و بخواص مؤمنین در مقابل وسوسه شیطان و میفرماید وَ کَذلِکَ أَوْحَیْنا إِلَیْکَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنا شوری آیه ۵۲- آن هم چه تنزیلی و اما صلوات بر حضرتش میفرماید إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً احزاب آیه ۵۶- و از آن حضرت است فرمود

(من صلّی علیّ مرهٔ لم یبق من ذنوبه ذرّه)

و البته لازم است ذکر آن در مذهب شیعه.

(و جعلته نورا نهتدی من ظلم الضلالهٔ و الجهالهٔ باتباعه)

هدایت راه نمایی بمقصد است و ضلالت گمراهی و سرگردانی نیست در راه و جهالت ندانسته‌گی و حیرانی است انسان اگر مقصدی داشته باشد باید طی طریق کند تا بمقصد برسد و این سه نحوه تصور میشود یکی آنکه دانسته راه مستقیم را گرفته و بکمال سهولت طی میکند و بمقصد میرسد دیگر آنکه راه را گم میکند و بر خلاف میرود و هر چه برود از مقصد دورتر میشود که این ضلالت است دیگر آنکه حیران و سرگردان است نمیداند بچه طرف سیر کند البته انسان بدو چیز محتاج است یکی راه‌نما که راه را بآن نشان دهد و راه را بداند دیگر پس از دانستن راه راه را طی کند تا بمقصد نائل شود خداوند انسان را بلکه جن و انس را خلق فرمود برای عالم آخرت و سعادت ابدی و جنهٔ باقیهٔ

(خلقتم للبقاء لا للفناء)

قرآن مجید چراغ راه است که در راه در دست‌اندازها چشم ببیند و در هلاکت نیفتد که این مفید علم است و اتباع قرآن و عمل بدستورات آن سیر در راه است و دنیا ظلمت و تاریکیست هوی و هوس و ذخارف أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۲۹۸

و میزان قسط لا یحیف عن الحق لسانه و نور هدی لا یطفأ عن الشاهدین برهانه و علم نجاهٔ لا یضل عن ام قصد سنته و لا تنال ایدی الهلکات من تعلق بعروهٔ عصمته

دنیوی و جاه و جلال لذا میفرماید

(و جعلته نورا نهتدی من ظلم الضلالت و الجهالهٔ باتباعه).

(و شفاء لمن انصب بفهم التصدیق الی استماعه)

امراض قلبیه بسیار است کفر و شرک صفات خبیثه اخلاق رذیله اعمال سیئهٔ باید نزد طبیب رفت طبیب ارواح و جور مقدس رسول راهنما است و نسخه او قرآن مجید است که حتی مرده روح را زنده میکند چنانچه میفرماید یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذا دَعاکُمْ لِما یُحْیِیکُمْ انفال آیه ۲۴- و نیز میفرماید:

یا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَتْکُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ شِفاءٌ لِما فِی الصُّدُورِ یونس آیه ۵۷ انصات گوش دادن و توجه نمودن است و فهمیدن و قبول کردن و تصدیق نمودن است و استماع بر طبقش رفتار کردن و عمل نمودن چنانچه می گویی فلانی حرف‌شنو است یعنی هر چه بگویی عمل میکند و انجام میدهد.

(و میزان قسط لا یحیف عن الحق لسانه)

میزان ما یوازن به الشیء است مثل ترازو و قپان که سنگینی و سبکی چیزها را معین میکند و قسط عدل است که بعدل نشان میدهد بر خلاف حق نیست و لسان میزان آن زبان ترازوست که اگر مستقیم ایستاد حق است و اگر کج شد یا بطرف افراط یا تفریط خلاف عدل است باید کلیه عقائد و اخلاق و اعمال را بر قرآن عرضه داشت اگر مطابق است حق و عدل است و قسط اگر بر خلاف او است افراط یا تفریط است و یکی از مواقف قیامت میزان عدل است که میفرماید وَ نَضَعُ الْمَوازِینَ الْقِسْطَ لِیَوْمِ الْقِیامَةِ انبیاء آیه ۴۸- و میفرماید فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوازِینُهُ فَهُوَ فِی عِیشَةٍ راضِیَةٍ وَ أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوازِینُهُ فَأُمُّهُ هاوِیَةٌ القارعه آیه ۵ و ۶.

(و نور هدی لا یطفأ عن الشاهدین برهانه)

اما نور هدایت بیان شد در جملات قبل و اما عدم اطفأ که خاموش شدنی نیست تا قیامت که میفرماید إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّکْرَ أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۲۹۹

اللهم فاذا فدتنا المعونه علی تلاوته و سهلت جواسی السنتا بحسن عبارته فاجعلنا ممن یرعاه حق رعایته و یدین لک باعتقاد التسلیم لمحکم آیاته.

وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُونَ حجر آیه ۹ بلکه روز بروز آثارش و نورانیتش و حقایقش روشن‌تر میشود.

(و علم نجاهٔ لا یضل من ام قصد سنته)

چنانچه در حدیث ثقلین دارد که فرمود

(انی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّه و عترتی لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا ابدا)

و قصد سنت عمل بدستورات او است.

(و لا تنال ایدی الهلکات من تعلق بعروهٔ عصمته)

ایادی الهلکات شبهات و اشکالات کفار و ضالین و بعض مفسرین است که اگر انسان آشنا باشد بحقایق قرآن دفع تمام این شبهات را میکند عروهٔ الوثقی الهیست.

(اللهم فاذا فدتنا المعونه علی تلاوته)

افاده اعطاء و بخشش است که خداوند تفضل میفرماید بدون استحقاق و معونه کمک است بتوفیق بر تلاوت آن بالاخص بر ختم آن من اوله الی آخره و امر اکید فرموده بر قرائت آن چنانچه میفرماید فَاقْرَؤُا ما تَیَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ الی قوله تعالی فَاقْرَؤُا ما تَیَسَّرَ مِنْهُ الایهٔ مزمل آیه ۲۰- و تلاوت با قرائت فرق دارد نسبت بین آنها عام و خاص است تلاوت قرائت است با توجه بمعانی و مقاصد آن که زبان فکر قلب باشد و قرائت اعم است لذا در بسیاری از آیات قریب پنج آیه امر شده به پیغمبر اکرم بتلاوت مثل وَ اتْلُ ما أُوحِیَ إِلَیْکَ مِنْ کِتابِ رَبِّکَ الایه کهف آیه ۱۸- و غیر این از آیات.

(و سهلت جواسی السنتا بحسن عبارته)

سهل بمعنی آسانیست که خداوند سهل و آسان فرمود و جواسی کندی زبان است که سختی بیان مقاصد خود را میکند و قرآن

مجید برای حسن عبارت و فصاحت و بلاغتش آسان میکند قرائت آن را که انسان هر چه تلاوت کند خسته نمیشود و رغبت میکند بازدیاد آن بخلاف سایر کتب که انسان را خسته میکند مثل قرآن مثل اطعمه بهشتی است که سیرایی ندارد بخلاف اغذیه دنیوی که باندك خوراك سیر میشود مگر مثل معاویه باشد که گفت أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۰۰

و یفزع الی الاقرار بمتشابهة و موضحات بیناته اللهم انک انزلته علی نبیک محمد صلی اللّٰه علیه و آله مجملا.

(ملات و ما شبعت) و ضرب المثل شد (و صاحب لی بطنه کالهاویة کان فی امعائه معاویة) اشاره بآیه شریفه است که میفرماید یَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ق آیه ۲۹.

(فاجعلنا ممن یرعاه حق رعایته)

رعایت حفظ و نگهداریست و نگهداری قرآن عمل بدستورات آن و احترام آن و تلاوت آن است و حرام است تنجس آن و واجب است تطهیر آن و بر محدث حدث اکبر یا اصغر حرام است پس کتابة آن و تلاوت سوره عزائم آن و سایر احترامات و حق رعایت عمل بجمیع دستورات او است بر فحص و عزائم آن و اعتراف و اقرار و اعتقاد بجمیع آن و تخلق بجمیع اخلاقیات آن

(و یدین لک باعتقاد التسلیم لمحکم آیاته)

آیات قرآنی بر حسب دلالت اقسامی دارد یک قسم نصوص قرآن است که واجب است اعتقاد و تسلیم له و این محکمات آیات است و انکار یکی از آنها موجب کفر و ارتداد میشود و یک قسم ظواهر آن است که حجت است پس از فحص از مخصصات و مقیدات و قرائن مجازیه متصله و منفصله داخلیه و خارجیه لفظیه و عقلیه.

(و یفزع الی الاقرار بمتشابهة)

و یک قسم متشابهات قرآن است که معنی و مراد معلوم نیست و جز خدا و رسول و ائمه اطهار علم بتأویل و مراد آن ندارند که میفرماید هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتابَ مِنْهُ آياتٌ مُحْكَماتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتابِ وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ ما تَشابَهَ مِنْهُ ابْتِغاءَ الْفِتْنَةِ وَ ابْتِغاءَ تَأْوِيلِهِ وَ ما يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ الایة آل عمران آیه ۵ فقط واجب است اقرار بآنها.

(و موضحات بیناته)

و بآنچه بیانش واضح است و توضیح شده.

(اللهم انک انزلته علی نبیک محمد صلی اللّٰه علیه و آله مجملا)

نازل فرمودن بر حضرت رسالت شرحش گذشت و مکرر در تفسیر بیان شده اما مجمل بودن قرآن

أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۰۱

و ألهمته علم عجائبه مکملا و ورثتنا علمه مفسرا و فضلتنا علی من جهل علمه و قویتنا غلبه لترفعنا فوق من لم یطق حمله.

برای این است که حکمت‌هایی دارد که خداوند تفصیل نداده یکی آنکه تفصیلش از فصاحت و بلاغت خارج میشود مگر آنکه برساند که احتیاج بهمین مثل حضرت رسالت و ائمه طاهرین دارید مثلا در قرآن میفرماید آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ اما ایمان بچه چیز محقق میشود و در باب توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد و خصوصیات هر یک و بضروریات دین و مذهب و عدم بدعت و سایر اموری که مدخلیة در ایمان دارد باید این خاندان معین کنند یا میفرماید أَقِيمُوا الصَّلاةَ اما اقسام صلوات و اجزاء آنها و شرائط آنها و مبطلات آنها و عوارض آنها را مثل شک و سهو و نسیان و غیر اینها را باید آنها بیان فرمایند و کتب اخبار و کتب فقه علماء و اصحاب ضبط کنند و بنویسند و مجتهدین فتوی دهند و مقلدین تقلید کنند و همین نحو مسئله زکاة و صوم و حج و جهاد و حدود و دیات و هدایا و وصایا و سایر احکام شرعیه بسیار تعجب است از آنکه گفت (حسبنا کتاب اللّٰه) و آن خبیثی که بر رد شیعه گفت که اینها خبری که از ناحیه مقدسه رسیده که فرمود (الکافی کافی لشیعتنا) را قبول میکنند و قول حسبنا کتاب اللّٰه را رد میکنند و دیگر از حکمتهای اجمال اینکه اگر مبین فرموده بود منافقین را و اشخاص آنها را رد میکردند و از صورت اسلامی هم خارج

میشدند و حکم دیگر.

و ألهمته علم عجائبه مکملا و الهام پیغمبر (ص) رساندن و فهمانیدن و تعلیم است و عجائب قرآن بواطن قرآن که در حدیث دارد له ظهر و بطن چنانچه انسان هم ظاهری دارد و هم باطنی چه بسا ظاهر مسلمان مؤمن متقی و باطن کافر و مخالف و عاصی ظاهر عادل باطن فاسق ظاهر متواضع باطن متکبر ظاهر دوست باطن دشمن و هکذا و بسا بالعکس و احدی خبر از باطن قرآن ندارد جز پیغمبر (ص) که میفرماید لا یعرف القرآن الا من خوطب به و مکمل یعنی بالتمام که عالم بجمیع بواطن قرآن است که بسا هفتاد بطن دارد و زیر هفتاد پرده است. أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۰۲

اللهم فکما جعلت قلوبنا له حملهٔ و عرفتنا برحمتک شرفه و فضله فصل علی محمد الخطیب به و علی آله الخزان له و ورثتنا علمه مفسرا

این جمله بتمام معنی خاص بائمه هدی است که از پیغمبر (ص) بمیراث بآنها سپرده شده بلکه علم ما کان و ما یکون و جزو ودایع امامت است که از امیر المؤمنین (ع) است فرمود

لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا

و یک قسمت از بواطن قرآن از این خاندان باصحاب رسیده و بعلماء دین و شیعیان بقدر استعداد آنها در تحمل آن و پس از ظهور حضرت بقیهٔ اللّٰه بسیاری از این بواطن مکشوف میشود.

و فضلتنا علی من جهله علمه.

اما تفضیل ائمه هدی بر تمام جن و انس و ملک حتی بر انبیاء سلف که چه بسیار از بواطن قرآن بر انبیاء و ملائکه هم پنهان و مخفیست و اما تفضیل علماء به جهال هم واضح و روشن است که فرمود

فضل العالم علی الجاهل کفضلی علی ادناکم

و فرمود

علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل

و فرمود

عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد

و فرمود

مداد العلماء افضل من دماء الشهداء

و فرمود

العلم نور یقذفه اللّٰه فی قلب من یشاء

و اما فضل مؤمن بر کافر و مخالف و معاند همین بس است که مؤمن اهل بهشت است و لو آلوده بمعاصی باشد بشفاعت شفعاء و عفو الهی و مغفرهٔ او و سایر اسباب نجات و غیر مؤمن مقصر آن خلود در عذاب و قاصر آن محروم از بهشت.

و قویتنا علیه لترفعنا فوق من لم یطق حمله در حمل علم قرآن دو چیز لازم دارد یکی قابلیت محل دیگر تقویت الهی که خداوند چه قوهٔ بخاندان عصمت داده که حتی جبرئیل امین طاقت تحمل آن را ندارد که فرمود روح القدس فی الجنان الصاغورهٔ ذاق من حدائقنا الباغورهٔ و گفت در لیلهٔ المعراج عند سدرهٔ المنتهی

لو دنوت انملهٔ لاحترقت

و چون خلق شد خطاب رسید من انا و من انت نتواند جواب دهد نور امیر المؤمنین ظاهر شد و فرمود که انت الرب الجلیل و انا العبد الذلیل أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۰۳

اللهم فکما جعلت قلوبنا له حمله

حمل قلوب حفظ قرآن است که تمام صفحه قرآن در سینه ثبت شده و نوع مسلمین تا اندازه‌ای کم و بیش حافظ بعضی سور و آیات هستند و بسیاری حافظ تمام قرآن بودند از مسلمین چه رسد بائمه طاهرین علیهم السلام که علاوهٔ از حفظ قرآن میدانستند هر سورهٔ و آیه چه موقع نازل شده و در شأن کی وارد شده و برای چه نازل شده و میتوان گفت که تمام مسلمین مصداق این جمله هستند زیرا قرآن اطلاق بر هر یک سوره و یک آیه هم میشود و او حامل قرآن هست و لو درجات مختلف است لکن حمل مسلمین قرآن را نباید مثل حمل یهود باشد توریهٔ را که میفرماید مَثَلُ الَّذِینَ حُمِّلُوا التَّوْراةَ ثُمَّ لَمْ یَحْمِلُوها کَمَثَلِ الْحِمارِ یَحْمِلُ أَسْفاراً بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ جمعه آیه ۵ و امروز مصداق این آیه در جامعه مسلمین بسیار است بلکه از زمان حضرت رسالت الی کنون چه اندازه احکام قرآن را کنار گذاردند که میفرماید وَ قالَ الرَّسُولُ یا رَبِّ إِنَّ قَوْمِی اتَّخَذُوا هذَا الْقُرْآنَ مَهْجُوراً فرقان آیه ۳۲ و عرفتنا برحمتک شرفه و فضله اما شرافت قرآن همین بس که عین کلماتش از ناحیه حق تبارک و تعالی صادر شده و بطریق اعجاز میباشد که میفرماید قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هذَا الْقُرْآنِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ کانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیراً اسراء آیه ۹۰ بلکه ده سوره آن را که میفرماید قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ الایه هود آیه ۱۵ بلکه یک سوره که میفرماید وَ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَداءَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ بقره آیه ۲۱ و میفرماید إِنَّهُ لَقُرْآنٌ کَرِیمٌ فِی کِتابٍ مَکْنُونٍ لا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ تَنْزِیلٌ مِنْ رَبِّ الْعالَمِینَ واقعه آیه ۷ الی ۷۹ و اما فضل، قرآن افضل کتب سماوی به افضل انبیاء و المرسلین به افضل امم سالفه باطیب بیان و بودن احد ثقلین.

فصل علی محمد الخطیب به و علی آله الخزان له خطیب کسی را گویند که یک جمله مفید فوائدی را بیان کند برای مستمعین و خطباء عالم بسیار بودند و خطبه های امیر المؤمنین بسیار است در نهج البلاغه و غیر آن و بهترین و بالاترین خطبه‌ها أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۰۴

و اجعلنا ممن یعرف بانه من عندک حتی لا یعارضنا الشک فی تصدیقه و لا یختلجنا الزیغ عن قصد طریقه.

قرآن مجید که جامع جمیع فوائد دنیوی و اخرویست و خطیب آن محمد (ص) است و خزان جمع خازن است یعنی خزینه‌دار و خزینه عبارت از ظرفیست که در او اشیاء نفیسه میگذارند مثل جواهرات و طلا و نقره و درهم و دینار و اگر در زیر زمین پنهان کنند کنزش میگویند و بزبان ما گنج مینامند و خداوند مذمت میفرماید کسانی را که ذهب و فضه و درهم و دینار را کنز میکند و حقوق الهی را مثل زکاهٔ و خمس و سایر آنها را نمیدهند و بخل میکنند که میفرماید وَ الَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا یُنْفِقُونَها فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِیمٍ یَوْمَ یُحْمی عَلَیْها فِی نارِ جَهَنَّمَ فَتُکْوی بِها جِباهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هذا ما کَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِکُمْ فَذُوقُوا ما کُنْتُمْ تَکْنِزُونَ توبه آیه ۳۵ و ۳۶ و خزینه قرآن و علم قرآن و علم الهی قلوب مطهره ائمه هدی است و خازن آنها ائمه هستند چنانچه در زیارت آنها دارد حملهٔ کتابه و خزان علمه چنانچه خزینه علم باحکام قلوب علما است و مفتاح و کلید آن سؤال است که چون سؤال کنند و طلب علم کنند درب خزینه که لسان علما است باز میشود هر قدر بخواهند بهره‌برداری میکنند.

و اجعلنا ممن یعرف بانه من عندک حتی لا یعارضنا الشک فی تصدیقه در باب اصول خمسه دین توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد در قسمت نبوت بعد از اعتقاد بوجود انبیاء و برسالت حضرت خاتم علاوه از اموری که در حق انبیاء معتقد باید باشیم و شئونات آنها باید چهار امر در رسالت حضرت رسول معتقد باشیم که اگر یکی از آنها را منکر شویم از اسلام خارج میشویم یا شک کنیم، یکی افضلیت حضرت بر تمام انبیاء و رسل و ملائکه و جمیع مخلوقات دویم خاتمیت که دینش باقیست تا قیامت و پیغمبری بعد از او نخواهد آمد سیم معراج آن حضرت که با همین بدن عنصری رفت تا قاب قوسین او ادنی فاوحی الیه ما اوحی. چهارم این قرآن مجید از باء بسم اللَّه تا سین و الناس از مصدر جلال ربوبی صادر شد. أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج۱۴، ص: ۳۰۵

اللهم صل علی محمد و آله و اجعلنا ممن یعتصم بحبله و یاوی من المتشابهات الی حرز معقله و یسکن فی ظل جناحه.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».